

عدن شیطان

 سرهای خود را خم کنیم.

ای خدای مهربان، از اینکه دوباره امشب فرصتی زیبا داد تا در نام خداوند عیسی در میدان جنگ بر دشمن بتازیم، سپاسگزاریم، این دشمن بدخواه تو نیز هست، سپاسگزاریم که می‌توانیم با قوت کلام او را از جماعت تو بیرون برانیم، ای خداوند، تا امشب آنها بتوانند روشنایی و نور انجیل را ببینند. دعا می‌کنم تا بر چشمان ما مرهم بگذاری تا بر روی حقیقت باز شوند، باشد زمانی که اینجا را ترک می‌کنیم، با قلبی پر شوق و شور بگوییم: «آیا دل ما در اندرون نمی‌سوخد، وقتی که در راه با ما تکلم می‌نمود و کتب را به جهت ما تفسیر می‌کرد؟» بیماران و دردمندان را شفا ده، افسردگان را دلگرم کن و دست‌های ناتوان و فروافتاده را برافراز. باشد که به آمدن خداوند عیسی بنگریم چون ایمان داریم که زمانش بسیار نزدیک است. این را در نام عیسی می‌طلبیم. آمین.

بفرمایید بنشینید.

۲ سعی می‌کنم امشب کوتاه موعظه کنم زیرا می‌دانم بسیاری از حاضران از نقاط مختلف کشور برای شرکت در جلسه به اینجا آمده‌اند، تا... می‌دانم شماری از این عزیزان شب را در شهر سپری می‌کنند و شاید راه برگشت طولانی در پیش داشته باشند. از همگی شما تشکر می‌کنم. دوست داشتم امروز صبح پیغام برادر نویل را بشنوم. بارها موعظه‌های ایشان را شنیده‌ام و سخنانشان همواره برای من دلنشین بوده است و از ایشان قدردانی می‌کنم. امروز صبح هنگام پیغام، می‌دانم از جانب خداوند هدایت شده بودم که امروز صبح به آن گوش کنم. بسیار خوب! پس جای شگفتی نیست که جماعت هم دوست دارد به موعظه ایشان گوش دهد. یقین داریم که می‌توانید همواره از پیغام‌های ایشان برکت بگیرید.

۳ امروز قرار ملاقات‌های صبح و عصر را مرور کردم، هنوز جاهای بسیار بسیار زیادی دارم که باید بروم. من...

۴ اگر اشتباه نکنم یترون بود که روزی به موسی گفت: «این امر به تنهایی برای تو سنگین و دشوار است.» به همین خاطر اینجا برادران بسیاری هستند که می‌توانند به مسائل شما رسیدگی نمایند. آنها همگی کارآزموده هستند و صلاحیت رسیدگی به این امور را دارند، رسیدگی به برخی از مسائل ظرفیت می‌خواهد. اگر چنین مسائلی دارید، توصیه می‌کنم به شبانمان، برادر من و دیگر خادمینی که هم ایمان ما هستند، مراجعه کنید. آنها می‌توانند به درستی درباره امور مختلف شما را راهنمایی کنند، شماری با مسائل فرزندان‌شان دست و پنجه نرم می‌کنند و گروهی با مسائل مربوط به ازدواج فرامیلتی یا مشکلاتی دیگر. آنها چیزهایی که اشتباه هستند یا آنچه که باید انجام دهید را به شما می‌گویند. این برادران در جایگاه خادمان مسیح می‌توانند به

شما کمک کنند. اگر به آنها مراجعه کنید، مطمئن هستم کمک‌هایی که نیاز دارید را از شما دریغ نخواهند کرد. من نمی‌توانم به تمام این مسائل برسم زیرا همه جا با درخواست های بسیار روبرو هستیم. چنانکه ملاحظه می‌کنید کارها بیشتر و بیشتر می‌شوند. هر چند دوست داریم به تکاتک آنها رسیدگی کنیم اما امکان‌پذیر نیست. اما من پیوسته به پیشگاه خدا دعا می‌کنم تا در مسائل شما روش الهی پیاده شود.

۵ حال امشب می‌خواهیم به کتاب مقدس رجوع کنیم و قسمتی از کتاب پیدایش باب ۳ را بخوانیم و البته اندکی از مطالبی که در گذشته عنوان کرده بودیم را مرور خواهیم کرد با این امید که تا پایان جلسه، به فیض خداوند عیسی تا اندازه‌ای به درک بهتری از مسائل برسیم. دعا می‌کنم تا او چنین عطا کند.

و ما از همه حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود، هشیارتر بود. و به زن گفت، آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟

زن به مار گفت، از میوه درختان باغ می‌خوریم،

لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید.

مار به زن گفت، هرآینه نخواهید مرد،

بلکه خدا می‌داند در روزی که شما از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود.

و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر خوشنما و درختی دلپذیر دانش‌افزا، پس از میوه‌اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد.

آنگاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند.

۶ باشد که خداوند...برکت خود را بر خوانش کلامش مزید کند. حال می‌خواهم عبارتی را خارج از شکل خود به کار برم و آن را چنین بنامم: عدن شیطان. عدن شیطان در گفتار لفظی خام و دور از ذهن است. این عنوان به گونه‌ای مکمل و تداعی‌گر پیغامی است که در یکی از جلسات یک‌شنبه، تحت عنوان فیلتر انسان متفکر بیان کرده بودم که در باب سلیقه و ذائقه مقدسان بود.

۷ گاه چنین اصطلاحات و توصیف‌های به ظاهر خام و ناپخته‌ای می‌توانند تفکربرانگیز باشند و چیزهایی برای ما به ارمغان آورند، و ما را بر آن دارند تا مطالعه و بررسی کنیم. شما را ترغیب می‌کنند تا کلام را بخوانید. و این درست همان چیزی است که مایلیم جماعتم انجام دهد. «انسان نه محض نان زیست می‌کند بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد.» بنابراین کلام را بخوانید و مطالعه کنید. با چشمان خداوند آن را مطالعه کنید تا به افکار شما این درک را بدهد که چطور باید در زمان کنونی زندگی کنیم.

۸ شاید در این جلسه شامگاهی بتوانم به شما بگویم: «خوب، می توانستم چنین و چنان کنم...»

۹ دوست دارم با افراد گفتگو کنم به همان اندازه که دوست دارم امشب همراه تکتاک شما به خانه هایتان روم. من... خدا می داند که این حقیقت است. دوست دارم با تکتاک شما به خانه بروم و-و صبح با شما صبحانه بخورم و-و فردا بعد از ظهر به با هم به شکار روم، بله. من-من دوست دارم چنین باشد اما شدنی نیست. دوست دارم به خانه روم و بنشینم و با شما گفتگویی داشته باشم، پس از جلسه روی ایوان بنشینم و مدتی با شما درباره خدا و آنچه که به خیریت شماست، صحبت کنم. دوست دارم این کار را انجام دهم. آقایان و خانمها، خدا می داند که این خواسته قلبی من است و می خواهم چنین باشد ولی نمی توانم. باید به بسیاری از درخواستها و تنشها رسیدگی کرد، بله.

۱۰ و-و در این زمانه متشنج که در آن به سر می بریم... من خود شخصاً تا اندازه ای طبع بی قراری دارم. امروز ذهن خود را مشغول چیزی می کنم، «به این نتیجه رسیده ام که کاری را انجام دهم،» و فردا آن مسئله فرسنگها از ذهن من دور است، اتفاقی، مسئله ای باعث شده ذهنم درگیر این و آن شود. با توجه به کمبود زمان، باید حواسمان باشد تا دچار آشفته گی ذهنی نشویم.

۱۱ اما مهمترین وظیفه من اعلام انجیل در کلیساست و اینکه در این روزها تمام آنچه که باعث افتخار عیسی مسیح است را به انجام رسانم، مادامی که اینجا یعنی بر روی زمین هستم و عمری باقی است. به اینجا می آیم و سعی می کنم از اموری با شما سخن برانم که برایتان سودمند باشد و شما را یاری رساند. امروز صبح وقتی به خانه رفتم، به مطالعه کتاب مقدس پرداختم. «خداوندا، امشب چه می توانم بگویم که به عزیزان کمک کند؟»

۱۲ به پیغام پرفدرت صبحگاهی گوش کردم... پیغامی که برادر نویل برای ما آورد، در باب... به نظر مطلب را بسیار زیبا بازگو کردند: «دکتر علت بیماری را تشخیص می دهد، اما شخصی با ظرفی پر از انواع سوزنهای تزریقاتی می آید و دارو تزریق می کند.» به نظر توصیفی کوتاه اما به راستی جالب بود. به آن فکر کردم، «درست است ابتدا تشخیص بیماری سپس تزریق سرم.» این شیوه درست و بسیار خوب است.

۱۳ می خواستم در مورد مطلبی با شما سخن بگویم، مطلبی برایتان بازگو کنم که فکرتان را بر روی وعده خدا برای این عصر روشن سازد. توجه می کنید؟ مطلبی، نه در مورد مردمی که در زمان دیگر زندگی می کردند بلکه... و هنگامی که... چنین مطالبی خوب و درست هستند، ما همه به آنها رجوع می کنیم. اما بر آن شدم تا با این نکات برگرفته از کتاب مقدس که اینجا یادداشت کرده ام، روشنگری نمایم، باشد که شما با چنین آگاهی در جایگاه سرباز بهتری در این رزمگاه حاضر شوید، باشد که ترفندهای دشمن را دریابید و حرکات خطرناک دشمن را خنثی سازید، بله. اصل مطلب این است که بیاموزید چگونه تا حد امکان از آماج ضربات جلوگیری نمایید.

۱۴ اینک، بیایید به این دوره مهم... تنها برای دقایقی به وضعیت این دوره مهم ولی

مملو از گناه که در آن به سر می‌بریم، دقیق شویم. گمان نمی‌کنم تا به حال در مورد چنین روزگاری در تاریخ خوانده باشیم... روزهایی سخن از شکنجه‌های وحشتناکی بود، هنگامی که فرزندان خدا از هر طریقی به سوی مرگ فرستاده می‌شدند. اما به فریب‌های دشمن در زمانه‌ای که در آن به سر می‌بریم، بنگرید، تا کنون روزهایی مثل آن نداشته‌ایم. این روزها، روزهایی پر از حيله‌گری و فریب است. و با نگرستن به این فریب‌ها، چنین می‌نماید که امروزه یک مسیحی باید نسبت به اعصار گذشته با استواری بیشتری گام بردارد.

۱۵ دورهٔ جفا بر کلیسا در روم باستان را در نظر بگیرید، اگر یک مسیحی دست از پا خطا می‌کرد، به سوی میدان مسابقه فرستاده می‌شد تا خوراک شیران شود یا به شکل دیگری گرفتار گردد، اگر متوجه می‌شدند شخصی مسیحی است، چنان بلایی بر سرش می‌آوردند. با این وجود روح او نجات یافته بود زیرا ایمانداری پاک و خالص در خدا بود، در واقع با پذیرش چنین مرگی، با شادمانی شهادت ایمانش را با خون خود مهر می‌کرد. در حالی که رگ‌هایش شل می‌شدند یا از زخم‌های بدنش خون جاری می‌شد، با صدایی بلند و ایمانی صادق فریاد برمی‌آورد و می‌گوید: «خداوند عیسی، روح مرا دریاب!»

۱۶ اما اکنون حيله‌گری‌های شریر سبب می‌شود تا افراد گمان کنند که مسیحی هستند، در حالی که چنین نیست. در واقع شریر کاری می‌کند که افراد مشتبه شوند. دیگر سخن از مهر شهادت نیست... امروزه با مکرری خطرناک‌تر از گذشته روبرو هستیم، خطرناک‌تر از زمانی که افراد ایمان خود را با شهادت مهر می‌کردند. شریر هر دام فریب که می‌تواند بنهد را گذارده است... او فریب‌کاری بیش نیست. و عیسی در متی ۲۴ به ما گفت، روزهایی که در آن به سر می‌بریم چگونه خواهد بود، فریبنده‌تر از هر دورهٔ گذشته، «چنان شبیه که اگر ممکن می‌بود، حتی برگزیدگان خدا را نیز گمراه می‌کرد.»

۱۷ اینک، اجازه دهید برخی از نگاشته‌های مقدس و سخنان انبیا در کتاب مقدس برای امروز را بگیریم و با زمانی که در آن زندگی می‌کنیم، مقایسه کنیم.

۱۸ در دوم تیموتائوس باب ۳ چنین می‌آموزیم، آنچه که نبی گفت، «در این روزها چنین خواهد بود که مردمان خودسر و متکبر بوده، عسرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند.» تنها برای لحظه‌ای این آیه را در وضعیت کنونی بررسی کنید. ما نخواهیم... فقط به شکل خلاصه به آن می‌پردازیم، چون وقت کافی نداریم که همهٔ مطالب را چنانکه شایسته است، به طور کامل بررسی کنیم و فقط آن را روشن‌تر می‌کنیم و شما می‌توانید هنگام بازگشت به خانه آن را مطالعه کنید. «خودسر و متکبر، عسرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند، پیمان‌شکن، افترازن، ناپرهیزکار و از نیکویی متنفر هستند.» «با این توصیفات روح از اموری که در روزهای آخر رخ می‌دهد، سخن گفت.» ما در چنین روزهایی به سر می‌بریم و اینک شاهد تحقق نبوت هستیم.

۱۹ در این لحظه می‌خواهیم همچنین از کتاب مکاشفه بخوانیم... ۱۴:۱، منظورم مکاشفه ۱۴:۳ است، عصر کلیسای لائودکیه، اینکه کلیسا در روز آخر چگونه خواهد بود. کتاب

مقدس گفته که چنین خواهد بود، «چون بیهوشی است که بی‌نیاز که از هر چیز است. سخن از کلیسایی است که خود را ثروتمند می‌پندارد، هرچند که فقیر، مسکین، مستمند و کور و عریان است و از آن آگاه نیست.» آن... حال، به یاد داشته باشید روی سخن وی با کلیسای این عصر است، «مستمند، کور، عریان و آن را نمی‌دانند.» آخرین عبارت بسیار قابل توجه است. آنها فکر می‌کنند تمام و کمال از روح پر شده‌اند و آماده هستند. عصر کلیسای لائودکیه، عصر کلیسای پنطیکاستی است زیرا آخرین دوره کلیساست. لوتر و ولسلی هریک پیغام‌های خود را داشتند، پنطیکاست نیز پیغام خود را داشت.

۲۰ همچنین فرمود: «زیرا فاطر هستی، نه گرم نه سرد،» آنها در طریق‌هایشان تنها به هیجانات ظاهری دلخوش می‌کنند و به برداشتی جسمانی از انجیل بسنده می‌کنند، «زیرا» او فرمود: «تو در طریق‌های دیگری هستی و من تو را از دهان خود قی می‌کنم.» به سخن دیگر دیدن کلیسا در آن وضعیت باعث ناخشنودی او گردید.

۲۱ به یاد داشته باشید آنها او را بیرون راندند و او خارج از کلیسا بود و می‌کوشید دوباره وارد شود، کلیسای لائودکیه چنین شرایط وحشتناکی دارد.

۲۲ رئیس دنیای کنونی یعنی همان کسی که امروزه پرستیده می‌شود، شیطان است. مردم نسبت به پرستیدن شیطان ناآگاه هستند، در حالی که شیطان هویت خود را در قالب کلیسا جعل کرده است. به عنوان کلیسا شیطان را می‌پرستند و گمان می‌کنند که خدا را می‌پرستند اما این طریقی است که شیطان به کار بسته است.

می‌گویید: «یک دقیقه صبر کنید، ما کلام را موعظه می‌کنیم.»

۲۳ امشب نگاه خود را به اینجا معطوف کنید، به متنی که دارم. شیطان همان کسی بود که کلام خدا را برای حوا و عطف کرد. همان ابتدا، «خدا حقیقتاً گفته است، بله.»

۲۴ این همان تفسیر نادرست از بخش‌هایی از کتاب مقدس است که امروزه به کار می‌رود. شیطان می‌گذارد تا بدانید هرآنچه عیسی انجام داد، تمام و کمال و بی‌عیب بود. او می‌گذارد تا بدانید هرآنچه موسی انجام داد، کامل بود. اما وقتی وعده‌هایی که آنها برای این عصر دادند را در نظر می‌گیرید، آنگاه آن وعده‌ها به عصر دیگری نسبت داده می‌شوند. تنها کاری که باید انجام دهد این است که مردم را وادار کند آن را به همان شکل باور کنند، بله، همین-همین و بس. زیرا، «نمی‌توانید کلمه‌ای از آن بکاهید یا کلمه‌ای بر آن بیفزائید.» این همان کاری است که شیطان می‌کند.

۲۵ مردم از روی نادانی شیطان را می‌پرستند و به گمان خود، خدا را می‌پرستند، نبوت رساله دوم تسالونیکیان درباره چنین وضعیتی به ما هشدار می‌دهد... اجازه دهید آن را بخوانیم، دوم تسالونیکیان باب ۲. بیایید برای لحظه آن را دریابیم، اگر بتوانم زود آن را پیدا کنم. دوست دارم آن را بخوانم. به گمانم دوم تسالونیکیان باشد، آن نگاشته مقدس را اینجا دارم، و می‌گوید:

اما ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم درباره آمدن خداوند ما عیسی مسیح... و جمع شدن ما به نزد او،

۲۶ حال، ببینید، «آمدن خداوند و جمع شدن ما به نزد او»، چنانکه خدا در روزهای آخر قوم خود را با او جمع خواهد کرد. «جمع شدن مردمان به نزد خداوند» نه نزد کلیسا بلکه «نزد خداوند، جمع شدن با یکدیگر نزد او».

که شما از هوش خود به زودی متزلزل نشوید و... مضطرب-مضطرب نگردید، نه از روح و نه... از کلام و نه از رساله‌ای که گویا از ما باشد... بدین مضمون که روز خداوند رسیده است.

زنهار کسی به هیچ وجه شما را نفریبد زیرا که آن روز نخواهد آمد تا آن ارتداد اول واقع نشود و آن مرد شریر («آن مرد شریر» بنگرید که اکنون او کیست) یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد (آن یهودا بود، بله)؛

که او مخالفت می‌کند و خود را بلندتر می‌سازد از هرچه به خدا یا به معبود مسمی شود، به حدی که مثل خدا در هیكل خدا نشسته، خود را می‌نماید که خداست.

۲۷ افسوس که کلیسای عصر حاضر، این چنین به فریب‌کاری تن داده است! بله، «پسر هلاکت» آن شریر. «پسر هلاکت»، آن شریر. پس امروزه مردم شیطان را می‌پرستند، هرچند به گمان خود خدا را می‌پرستند. آنها در قالب یک عقیده، فرقه‌های ساخته شده به دست انسان شیطان را می‌پرستند و این عقاید سبب شده تا افراد به سمت بزرگ‌ترین فریبی که دنیا تا به حال به خود دیده، سوق داده شوند. برای آنها مهم نیست تا چه اندازه کلام وعده داده شده برای این عصر موعظه و اثبات می‌شود، هرچند این کلام تصدیق می‌شود ولی آنها ایمان نخواهند آورد. بله، آنها آن را نخواهند پذیرفت.

۲۸ پس چرا؟ تعجب می‌کنیم که چرا چنین است. چرا آن را به جا نمی‌آورند... چرا به آن ایمان ندارند؟ وقتی خدا می‌گوید که چیزی را انجام خواهد داد، و آن را انجام هم می‌دهد، باز هم آنها روی برمی‌گردانند و از آن دوری می‌کنند. درست چنانکه حوّا می‌دانست که خدا گفته خود را به جا خواهد آورد، اما با این حال از کلام رویگردان شد و به آنچه شیطان به او گفت، گوش کرد.

۲۹ به یاد داشته باشید در دوره‌های دیگر نیز همیشه چنین بوده است. در هر دوره‌ای همواره چنین بوده که شیطان می‌کوشید کلام را برای مردمان آن روزگار منحرف سازد و نگاه آنها را به اعصار دیگر معطوف نماید.

۳۰ ببینید، هنگامی که عیسی آمد، شیطان در میان آن گروه از معلمان و علمای دینی و کاهنان یهودی بود و می‌کوشید آنها را به نگاه داشتن شریعت موسی وادارد، در حالی که خود کلام در همان روز می‌گفت پسر انسان آشکار خواهد شد، بله، اینکه خویشتن را مکشوف خواهد ساخت. آن عالمان یهودی برای مدتی مدیدی مذهب خویش و شریعت موسی را نگاه داشته بودند... ببینید که شیطان چه کرد؟ او کوشید به آنها بگوید که، «آن بخش از کلام دقیقاً درست است اما آن مرد همان شخص نیست». ببینید که شیطان چقدر فریب‌کار است؟ آن روز، روز واقعی حيله و مکر است.

۳۱ بله چنین بوده و اکنون نیز چنین است، شیطان پادشاهی خود را بر روی زمین بنا نهاده است. دقیقاً به همین دلیل چنین کارهایی می‌کند، زیرا می‌خواهد پادشاهی‌اش برقرار باشد.

۳۲ او از آن معامله‌گرانی است که از اخلاق مسیحی بویی نبرده‌اند، هر برنامه و توطئه‌ای به کار خواهد بست تا گمراه شوید. اگر او هدف و منفعت شخصی در وادار کردن شما برای انجام کاری داشته باشد و باعث شود نگاه شما به آن معطوف گردد، هرآنچه بتواند را به شما نشان خواهد داد و شما را از حقیقت دور نگاه می‌دارد. زیرا تنها به فکر خودش است. مهم نیست که چقدر دروغ می‌گوید و چقدر خدعه به کار می‌گیرد، هرچه منفعت شخصی‌اش بیشتر باشد، کارهای بیشتری انجام می‌دهد.

۳۳ به این دلیل شیطان چنین عمل کرده است. او برای پیشبرد برنامه خود از جایگاه خدمت نیز استفاده می‌کند، می‌دانیم خدا هشدار داد که او چنین می‌کند. او با فریبی مذهبی در عدن، برای خود فضایی باز کرد و همچنان این روش را به کار می‌گیرد.

۳۴ شیطان با برپایی گروه‌های کمونیستی نقشه خود را به پیش نمی‌برد. کمونیست‌ها هیچ نقشی در آن ندارند. به جای اینکه نگران کمونیست‌ها باشید باید به وضعیت کلیسا بنگرید. کمونیست‌ها برگزیدگان را فریب نمی‌دهند. بلکه این کلیساست که باعث گمراهی برگزیدگان خواهد شد، بله. می‌دانیم که کمونیست‌ها خدا را انکار کردند و به ضد مسیح هستند، در این اصل تردیدی روا نیست اما آنها آن ضد مسیح نیستند. ضد مسیح همان مذهب است، دجال در کسوت مذهب ظاهر می‌شود، بسیار مذهبی است، می‌تواند نگاشته‌های مقدس را نقل قول کرده و آن را به زیبایی تفسیر نماید.

۳۵ فراموش نکنید که شیطان در آغاز با چنین ترفندی وارد عمل شد، او همه چیز را به درستی نقل قول کرد. «آیا خدا حقیقتاً گفته که از همه درختان باغ نخورید.» بله، او به درستی از کلام نقل قول می‌کند.

۳۶ حوّا پاسخ داد: «از میوه درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن مخورید و آن را لمس نکنید، زیرا روزی که چنین کنید، همان روز خواهید مرد.»

۳۷ مار گفت: «هرآینه نخواهید مرد. اجازه بده تا دلیلش را بگویم که چرا خدا چنین گفت، زیرا...» ببینید، او چه گفت؟ او این حقیقت را نقل قول کرد، بله. او گفت: «چشمان شما باز می‌شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود. اگر بتوانید از آن بخورید، مانند خدا خواهید شد.»

۳۸ شیطان می‌خواهد چنین کند و امروزه هم همین هدف را دنبال می‌کند. از آغاز در باغ عدن از مذهب به عنوان وسیله‌ای برای فریب و گمراهی استفاده کرد. در زمان آدم، این شیوه گمراهی کارساز شد. در زمان نوح نیز همین شیوه فریب را به کار بست. در روزگار عیسی نیز به همان صورت بود. و اکنون هم همین شیوه را پیاده می‌سازد، همان روش یعنی به کار بردن مذهب به عنوان ابزار فریب و گمراهی!

۳۹ حال، زمین را در نظر بگیریم، زمانی خدا کنترل آن را در دست داشت. حال، وقتی خدا آن را کنترل می کرد... امور تحت کنترل خدا بود. سپس شیطان با کنار نهادن کلام خدا، زمام امور را به دست خود گرفت. زمانی خدا زمین را تحت کنترل خود داشت. او کره زمین را در مدار خود قرار داد. او این کار را کرد و زمین در روندی سازنده قرار گرفت. او همه چیز را به انجام رساند زیرا زمام امور را در دست داشت. اینک آن را با زمانی که شیطان زمین را تحت کنترل خود گرفت، مقایسه خواهیم کرد.

۴۰ خدا شش هزار سال را به این روند اختصاص داد. او ناگزیر نبود چنین زمانی را اختصاص دهد بلکه خود این زمان طولانی را در نظر گرفت. شش هزار سال، زیرا ما آموختیم که «یک روز در آسمان برابر هزار سال بر روی زمین است» و خدا در شش هزار سال یا به سخنی دیگر در شش روز زمین را بنا نهاد. حال، خدا آن را در شش هزار سال برقرار کرد، سیاره‌ای پدید آمد برخوردار از بذرهای نیکو که موافق جنس خود ثمر می دهند. هر چیزی باید از نوع خود ثمر دهد. تمام بذرهای الهی نیکو بودند بنابراین باید از جنس خود به بار می آوردند. خدا شش هزار سال را به این کار اختصاص داد.

۴۱ سرانجام هنگامی که از همه کارهای خود فارغ شد... خدا سرانجام وارد مقر فرماندهی خود در زمین شد، مکانی زیبا معروف به باغ عدن که در شرق سرزمین عدن واقع شده بود. خدا مقر فرماندهی جهان را در باغ عدن یعنی در مصر قرار داد، آن مقر فرماندهی درست در شرقی ترین نقطه انتهایی باغ بود.

۴۲ خدا نظارت همه امور را به پسر خود و همسر وی سپرد. درست است. این کاری است که خدا کرد. قدرت کنترل همه امور را به آنها سپرده بود. آنها می توانستند باها را امر کنند تا بوزند. با درختی صحبت می کردند و درخت از اینجا به آنجا منتقل می شد.

۴۳ شیر و گرگ با هم غذا می خوردند و برّه در میان آنها می خوابید. هیچ شریری وجود نداشت. صلح و هماهنگی کامل حکمفرما بود، همه چیز در کاملیت بود، هنگامی که زمین تحت کنترل خدا بود، وضعیت بدین شکل بود. و آن... توجه کنید، دنیا از آن خدا بود و او همه چیز را اداره می کرد. او همه چیز را مدیریت می کرد. همه گیاه خوار بودند و از مرگ خبری نبود، تباهی و فنا، تاراج و فساد وجود نداشت. هیچ چیز... آنجا کامل بود.

۴۴ و خدا فرزندان محبوب یعنی پسر و دختر خود را سرور همه چیز ساخت، آن زن و شوهر بر امور جهان نظارت می کردند.

۴۵ خدا بسیار خشنود بود! «و او در روز هفتم از همه کارهای خود آرامی گرفت»، و این روز هفتم یعنی سبت را برای خود تقدیس کرد.

۴۶ از آنجا که خدا بر روند نظارت کرده بود، مکانی زیبا و خوشایند پدید آمد، او در شش هزار سال آن را پردازش و برقرار کرده بود، در این زمان همه چیز را هستی داد، کوه ها را برآورد، آتشفشان ها با قدرت بر کوه ها برآمدند و در روند شکل گیری پدیده ها

نقش داشتند، او فراز کوه‌ها را خشکانید و آن را به شکلی که می‌خواست، استوار و برقرار ساخت. و جای زیبایی بود.

۴۷ بهشت عظیم خدا بی‌نظیر بود و چیزی مانند آن نبود! دایناسورهای بسیار بزرگ وجود داشتند و همچنین خزندگان بسیار دیگر، حیواناتی با جثه‌های بزرگ، با این وجود بی‌خطر بودند. مانند بچه‌گربه آرام بودند. هیچ گزندی در کار نبود، نه-نه از بیماری خبری بود، نه از سوگواری و غم، هیچ میکروب یا عامل بیماری‌زا بر روی زمین نبود. به راستی چه مکانی بود!

۴۸ پرندگان بزرگ از درختی به درختی دیگر پرواز می‌کردند و آدم می‌توانست آنها را به نام بخواند، آنها بر روی شانه‌هایش می‌پریدند و-و-و برایش آواز می‌خواندند. به راستی خدا چه مکان شگفت‌انگیزی داشت!

۴۹ سپس خدا یکی از صفات بدن خویش را متجلی ساخت. خدا در بدن خود صفاتی دارد.

۵۰ درست چنانکه شما صفتی از پدر خود هستید. اگر دقت کنید، می‌بینید که در پدر بزرگ پدر بزرگ پدر بزرگ خود بودید. خوب می‌توانیم در این باب به شما و پدرتان اشاره کنیم. هنگامی که شما در وجود پدر خود بودید از چیزی آگاهی نداشتید. زندگی از مرد است. مرد دارای سلول خونی است و زن تخمک دارد، و این سلول خونی در خود زندگی دارد. پس وقتی که در وجود پدر خود بودید چیزی در این باره نمی‌دانستید. اما علم و کلام خدا ثابت می‌کند که شما در وجود پدر خود بودید و از این امر بی‌اطلاع بودید.

۵۱ پس پدر اشتیاق داشت که شما را بشناسد. و با پیوند و ارتباط با مادر، برای او شناخته شدید. اینک شما صفتی از پدر خود هستید. شما شبیه او می‌باشید، در بدنتان قسمت‌هایی هست که شبیه پدرتان است.

۵۲ این امر درباره خدا در آغاز نیز صادق است. از همان آغاز هر پسر و دختر خدا، در خدا بودند. اکنون آن را به خاطر نمی‌آورید اما شما آنجا بودید. خدا این را می‌دانست. و او می‌خواست تا شما اینگونه باشید تا بتواند با شما مشارکت داشته باشد و سخن گوید، شما را مورد محبت قرار دهد و دستان شما را بگیرد.

۵۳ مگر شما نیز در مورد فرزند خود... مگر هنگامی که پسر شما به خانه می‌آید و سر میز می‌نشیند، روز بزرگی نیست؟ تصور کنید هنگامی که او از میدان نبرد یا جایی مانند آن برمی‌گردد، چطور برای او شام آماده می‌کنید، گوساله پرواری می‌کشید یا حتی بیشتر از آن می‌کنید تا برای او خوراکی آماده کنید! او بدن و خون شماست و در شما بود. شما او را نمی‌شناختید ولی می‌دانستید که او آنجا بود.

۵۴ بنابراین خدا آگاه بود که ما اینجا خواهیم بود لیکن او به ما جسم بخشید تا با وی در ارتباط باشیم. خدا برای اینکه بتواند تماس و پیوند برقرار کند، یکی از ما شد، آن دم که عیسی مسیح شد، او پسر خدا و تجلی کامل ذات الهی بود. بنابراین هدف خدا این بود که در قالب مشارکت صفات خویش را متجلی سازد.

۵۵ هنگامی که در وجود پدرم بود، از او چیزی نمی‌دانستم. اما هنگامی که پسرش شدم و از او تولد یافته‌ام، به عنوان صفت و بخشی از وجود پدرم بودم. شما بخشی از پدر خود هستید.

۵۶ در جایگاه فرزندان خدا، تجلی بخشی از صفت الهی هستیم که در او بود، که تن گرفت. چنانکه او تن گرفت و به برکت این کار ما می‌توانیم به عنوان خانواده خدا بر روی زمین با یکدیگر مشارکت داشته باشیم. در آغاز هدف خدا همین بود. بله، آقا. از آغاز خواست خدا همین بود.

۵۷ خدا همه امور را تحت کنترل خود داشت. او انسان را به عنوان موجودی برخوردار از اختیار، با حق گزینش بر باغ عدن گماشت و چنین گفت: «پسرم، این برعهده توست.»

۵۸ چه مکان زیبایی! خدا چنان از کار خود خشنود بود که آرامی یافت. هیچ درختی تیغ و خار نداشت. هیچ توتی از درخت خاردار به وجود نیامد. همه چیز کامل بود، تمام بذرها کامل بودند و تمام امور در شرایطی کامل به سر می‌بردند.

۵۹ هنگامی که او رفت تا کمی بیارامد، دشمنش با فریب کاری وارد میدان شد، با ارائه تفسیری گمراه‌کننده از برنامه خدا برای فرزندان، زمام امور را به دست گرفت. خدا به فرزند خود اعتماد کرد چنانکه وقتی دخترتان در غروبی با آقایی بیرون می‌رود و شما به او اعتماد دارید یا وقتی پسران با جوانی الکلی یا پسری سیگاری همراه می‌شود و شما به او اطمینان دارید. بله، خدا به پسرش اعتماد داشت. از نظر خدا قرار نبود او هیچ خطایی مرتکب شود، خدا اعتماد داشت که آدمی کلام الهی را نگاه خواهد داشت. ولی شیر با ظرافت وارد شد، درست مثل آن شخص حقه‌باز چاپلوس که دخترتان را بیرون می‌برد و با او رفتاری ناشایست دارد یا-یا مانند برخی از زنانی که پسران را به بیرون می‌کشاند. بله، او گمراه کرد. دشمن خدا با ظرافت وارد شد و تفسیری نادرست از کلام خدا را به شکلی گمراه‌کننده برای حوا بیان کرد.

۶۰ حال، شیطان به واسطه هبوط باغ عدن را برگرفت، آن را به تصرف خود درآورد. زمام امور را به دست گرفت. و اکنون شش هزار سال است که او همچنان در نقش یک فریب‌کار ظاهر می‌شود و همچون گذشته مردم و فرزندان خدا را به بیراهه می‌کشاند. آنها از حق گزینش برخوردارند، به عبارتی حق دارند مسیر زندگی خود را انتخاب کنند. این توقع وجود داشت که راه و روش درستی در پیش گیرند، انتظار می‌رفت کار درست را انجام دهند ولی دروغا که به خطا رفتند و همانند عیسو به خاطر عشق به دنیا حق نخست‌زادگی خود را به هیچ فروختند. چنین بود که شیطان پیروز شد و دنیا را صاحب شد. او شش هزار سال زمان داشته تا عدن خویش را بسازد، چنانکه خدا شش هزار سال زمان داشت تا عدن خویش را به وجود آورد. حال شیطان با ارائه تفسیری گمراه‌کننده از کلام و فریب مردم، عدن خویش را در زمین بر پایه گناه برقرار ساخته است.

۶۱ عدن خدا بر پایه عدالت بنا شده بود. اما عدن شیطان بر پایه گناه زیرا شیطان خود، گناه است. خدا عدالت است و ملکوتش بر اساس عدالت و فیض و حیات استوار

شده بود. و بنای شیطان بر پایه و اساس گناه و گناهان مذهبی است.

۶۲ کمی به فریب و روش گمراهی او دقیق شوید، او گفته بود که چنین خواهد کرد. او قول داده بود که این کار را انجام دهد. آیا کسی این را می‌دانست؟ اگر تأیید این مطلب را از کتاب مقدس می‌خواهید، بیایید به اشعیا رجوع کنیم. اگر شما... به گمانم باید بیشتر از آنها نقل قول کنم. بیایید کتاب اشعیا باب ۱۴ را بخوانیم، فقط یک لحظه و خواهید دید که شیطان اینجا چه گفت، یک لحظه. اشعیا باب ۱۴ را خواهیم خواند و می‌بینید که او چه کرد. اشعیا باب ۱۴ از ابتدای آیه ۱۲ شروع می‌کنیم.

ای لوسیفر، پسر سپیده‌دم، چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای! ای که امت
ها را ذلیل می‌ساختی، چگونه به زمین افکنده شده‌ای!

و تو در دل خود می‌گفتی به آسمان صعود نموده، کرسی خود را بالای
ستارگان (منظور پسران هستند) بالای ستارگان خدا خواهیم افراشت، و بر
کوه اجتماع... در اطراف شمال جلوس خواهیم نمود.

بالای بلندی‌های ابرها صعود کرده و مثل حضرت اعلی خواهیم شد.

۶۳ حال آنچه که اینجا آمده را با آنچه که دقایقی قبل در تسالونیکیان خواندیم،
مقایسه کنید، او گفت: «به حدی که مثل خدا در هیکل خدا نشسته، خود را می‌نماید
که خداست، بنابراین هدف او این است که چون خدا پرستیده شود.»

۶۴ او خدای این دنیا است، در موعظه یک‌شنبه گذشته مسئله را برای شما بازگو کردم.
امروزه که خیانت و بی‌وفایی از ویژگی‌های این دوره است، در چنین زمان مخوفی، اینک
شیطان با ابزار گمراهی و فریب ظاهر می‌شود. هرچند گفتنی است که در پر جلال‌ترین
دوره تاریخ هم به سر می‌بریم، زیرا در آستانه هزاره هستیم، در آستانه ظهور دوباره
عدن. اما درست در همین عصر، تمام نیرنگ‌ها و ترفندهایی که تاکنون به کار بسته
و با آنها توانسته فریب دهد، همه را یک‌جا گرد آورده و خود را تقویت کرده است، و
مانند خدا فرو آمده و خود را به جای خدا گذاشته است، در قالبی مذهبی، می‌تواند از
کتاب مقدس هم نقل قول نماید و آن را برای شما بازگو کند، شیطان به همان شیوه‌ای
متوسل می‌شود که در باغ عدن در مورد حوا کارساز شد. او از کلام می‌گوید اما بخشی
از آن را جا می‌اندازد، این شیوه کارساز می‌شود چون حذف بخشی از کلام به منزله باز
کردن فضایی برای تزریق آموزه‌های سمی است، مانند آنچه در جلسهای شامگاهی در
موعظه‌ای تحت عنوان فیلتر انسان متفکر به این موضوع پرداخته بودم.

۶۵ او گفت که خود را فراتر از بالاترین مرتبه‌ها برمی‌افرازد، بر فراز ابرها و ستارگان
بلند می‌شود و مانند خدا آنجا می‌نشیند و در بالاترین رتبه خواهد بود. او به شکل
موفقیت‌آمیزی این تهدیدها را محقق ساخت. او در عملی ساختن تهدیدهایش موفقیتی
شگفت‌انگیز داشته است، پیداست که مردم با تفاسیر گمراه‌کننده شیطان از کلام وعده
داده شده عصرشان دوری جستند. این همان شیوه‌ای است که شریر بدان متوسل شده
است. او در هر دوره کلام را به شکلی گمراه‌کننده تفسیر می‌کند.

۶۶ در عصر نوح، به مردم توضیح داد که شدنی نیست که از آسمان باران ببارد، «از این آسمان چیزی نمی‌بارد.» او در باغ عدن با فصاحت تمام انجیلی علمی موعظه کرد، به زیبایی به علم متوسل شد! او می‌توانست وسایلی به سمت کره ماه پرتاب کند و ثابت کند که آنجا هیچ اثری از رطوبت نیست. اما خدا گفته بود که باران خواهد آمد. اما شیطان موفق شد ذهن مردم را با تحقیقات علمی مسموم کند، تحقیقاتی حاکی از اینکه «محال است باران ببارد.» ولی باران بارید. آنچه خدا فرمود که انجام می‌شود، محقق شد. خدا گفته خود را محقق ساخت.

۶۷ می‌بینیم که در روزگار عیسی دشمن به همان ترفند متوسل شد. او دوباره ذهن‌ها را با فریب خود مسموم کرد، بله، تفسیری دروغین از کلام ارائه داد. «اگر پسر خدا هستی، کاری انجام ده که من ببینم و نشان دهد که تو پسر خدایی.»

۶۸ عیسی نمایش اجرا نکرد، هرگز چنین روشی را در پیش نگرفت. خدا اهل نمایش و دلق‌بازی نیست. قرار نبود عیسی درخواست‌های شیطان را برآورده سازد. او تنها... عیسی گفت: «مکتوب است... انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد.» بله، عیسی برای شیطان نمایش اجرا نکرد. او نان پدید نیاورد. می‌توانست چنین کند ولی با انجام آن کار، خواست شریر برآورده می‌شد، در حالی که قرار نبود به سخن شریر گوش دهد.

۶۹ باز سخن از گناه مذهبی است، او به همان شیوه گمراه‌کننده‌ای متوسل شد که ابتدا به کار برده بود. به این مسئله دقت کنید. زمانی که سخن از گناه به میان می‌آید، کارهایی چون زنا، مستی و قسم دروغ تداعی می‌شود ولی مراد چیزی غیر از این است. اینجا منظور فراتر از تعریف معمولی گناه است.

۷۰ بسیاری از شما که اینجا هستید، سال‌های پیش را به خاطر می‌آورید. افراد قدیمی موعظه‌ای تحت عنوان سرخوردگی‌های زمان دآوری را به یاد دارند. در زمان دآوری فاحشه سرخورده نمی‌شود. او می‌داند به کجا خواهد رفت. می‌گساران نیز سرخورده نخواهند شد. قاچاقچیان، قماربازان، سارقان و دروغگو نیز سرخورده نخواهند شد. بلکه آن شخصی که فکر می‌کند در راستی به سر می‌برد، سرخورده می‌شود.

۷۱ همان که می‌آید و می‌گوید: «خداوند! مگر به نام تو موعظه نکردم، مگر به نام تو دیوها را اخراج نکردم؟»

۷۲ عیسی گفت: «دور شوید... ای بدکاران، از من دور شوید. هرگز شما را نشناختم.» آنجاست که مردم سرخورده می‌شوند، بله، و درمی‌یابند که فریب خورده‌اند.

۷۳ این همان مطلبی که پی در پی... عنوان همین مسئله است که باعث می‌شود مردم برداشت نادرستی از سخنان من داشته باشند. هر چند در پی آن نیستم که با دیگران تفاوت یا فرق داشته باشم اما باید صادق باشم. من حامل پیغامی هستم که باید به گوش قوم برسد. هر چند در میان مردم بسیار بد برداشت می‌شود. گمان می‌کنند که با همه سر ناسازگاری دارم. ای کاش درمی‌یافتند که برای خیریت همگان گام می‌دارم و می‌کوشم به بهترین شکل حقیقت را برای آنها بازگو کنم، درست به همان شکلی که

در قلبم گذاشته شده و در کتاب مقدس عنوان شده است. خدا حقانیت این پیغام را تأیید و ثابت کرد، بنابراین دیگر نمی‌توان هیچ کاری در موردش انجام داد. پس یا با حقیقت روبرو می‌شوند یا اینکه آن را نادیده می‌گیرند.

۷۴ بله، آنها نمی‌خواهند آن امر الهی را ببینند زیرا از پیش حق نخست‌زادگی خود را به برخی از تشکلهای کلیسایی یا فرقه‌ها فروخته‌اند، آنها سعی دارند در قالب تشکل دینی به آسمان برسند غافل از اینکه شیطان کاملاً بر چنین تشکلاتی مسلط شده است. خدا هرگز تشکل دینی پدید نیاورد، هرگز. هنگامی که گروهی کلام را تفسیر می‌کنند و می‌گویند چنین یا چنان معنایی دارد، با چنین گفتارهایی در واقع به آن خیانت می‌ورزند.

۷۵ خدا نیاز به مفسر ندارد. خدا مفسر خویش است. او نیاز ندارد استادی روش تفسیر کلام را به او بیاموزد. او برتر از همگان است و بر همه چیز تسلط دارد. خدا گفت که چگونه عمل می‌کند و بدین ترتیب کلام خود را حفظ می‌کند. هنگامی که او گفت: «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.» منظورش دقیقاً همین بود. هر گفته خدا به وقوع خواهد پیوست، او فرمود که این امور در این روزهای واپسین محقق خواهد شد و به همین ترتیب گفت که کارهایی خواهد کرد و چنین هم شد. او نباید از کسی بپرسد که آیا زمانش است یا نه. خود به خوبی می‌داند که چه زمانی است و چه نقشه‌ای باید پیاده شود.

۷۶ شیطان گمراه می‌کند، چنانکه در متی ۲۴:۲۴ آمده، او ترفندهای بسیاری برای فریب مردم به کار می‌برد. اکنون، پیداست که او برنامه‌هایی چون عرفان، تحصیلات بهتر، دروس اخلاق برتر و تمدن‌سازی انجیلی و چیزهای دیگر را به سلیقه خود ارائه می‌دهد و با این شیوه مردمی که خواهان خدمت خدا هستند را افسون کرده و آنها را به سمت باور دروغش سوق داده است.

۷۷ حوا نمی‌خواست آن کار را انجام دهد ولی شریر به او نشان داد که با انجام آن کار به معرفت و شناخت نائل می‌شود. حوا شناخت نداشت ولی در پی عرفان بود. مسائلی برای او واضح نبود و در پی توضیح بود. خدا به او امر کرده بود که در پی توضیح نباشد.

۷۸ به راستی چه توضیحی می‌توانیم برای یکی از این مسائل داشته باشیم؟ من توضیحی ندارم بلکه آنها را باور دارم. قرار نیست همه چیز برای من واضح باشد. خدا ایمان است نه توضیح المسائل. ما تنها به گفته حق ایمان داریم.

۷۹ حال بیاید در چنین شرایطی عدن خدا را با عدن شیطان مقایسه کنید، شش هزار سال است که شیطان کلام وعده خدا برای عصر را به انحراف کشانده و به غلط تفسیر کرده است. اجازه دهید اکنون مقایسه‌ای انجام دهیم و ببینیم به کجا رسیده‌ایم. شیطان در زمان مسیح عیسی در کلیسا چنین ترفندی را به کار برد، او کوشید پسران امین خداوند را از شناخت حق برگرداند. آنها از آن خدا هستند. خدا اینجا پسرانش یعنی صفاتش را قرار داده تا از طریق شنیدن کلامش با او مشارکت داشته باشند.

۸۰ شما برای پدر خود پسری وفادار هستید، چنانچه پدرتان به شما چیزی بگوید، فرضاً بگوید: «پسرم داخل آن آب نرو زیرا در آب تمساح هست»، اگر دوستی بیاید و بگوید: «این آب مطمئناً آب خوبی است و در آن هیچ تمساحی نیست»، شما به کدام یک گوش می‌دهید؟ اگر پسر واقعی باشید به حرف پدرتان گوش خواهید کرد.

۸۱ از دید یک پسر یا دختر حقیقی خدا، کلام خدا اولویت دارد. برای من مهم نیست دیگران چه می‌گویند، کلام خدا برای فرزندان اولویت دارد. اگر بگوید، «در فنجان سم است»، آنها این را باور می‌کنند.

۸۲ ایمان به تمام کلام خدا که همانا بذر الهی است، عدن مقدس، محبت و زندگی را به بار می‌آورد. تقدس، ثمره عدن خداست. ایمان، عدنی سرشار از تقدس، محبت، خرد، کاملیت و زندگی جاودان را به ارمغان می‌آورد. آنچه خدا می‌کارد کلامش و بذر الهی‌اش می‌باشد. کلیسای او در انتها همانند ابتدا خواهد بود، درست همان خواهد بود.

۸۳ فکری به ذهنم خطور می‌کند. آن را فراموش نکنید البته در زمان یا پیغام دیگری بدان خواهیم پرداخت. می‌دانید که خدا فرمود: «هر بذری موافق جنس خود بیاورد.» این حکم خداست؟ پس اگر واعظی یا هر شخص دیگری چیزی غیر از کلام عنوان کند، چه می‌شود؟ بله، هر کلمه خدا در حکم یک بذر است. عیسی گفت: «بذری که برزگری می‌کارد.» بنابراین اگر مرقس باب ۱۶ کلام خداست پس از بذر یا تخم موافق جنس به بار می‌آورد. اگر ملاکی باب ۴ کلام خداست، ثمره‌ای از جنس خود به بار خواهد آورد. هر وعده دیگری نیز بر اساس ماهیت و جنس خود میوه می‌آورد.

۸۴ مگر شیطان را در لباس مبدل نمی‌بینید؟ او چنین تلقین می‌کند: «این طور نیست، اینگونه نیست.» آیا این را متوجه می‌شوید؟ بله، شیطان می‌گوید: «این، برای امروز نیست، آن، آن-آن... مربوط به زمان دیگری بود. این مسئله معنی دیگری دارد.»

۸۵ «هر بذری موافق جنس خود بیاورد.» خدا عدن خود را چنین بنا کرد، درست است؟

۸۶ در این مورد نیز چنین است، اینکه مشخص می‌شود خدا چگونه و بر چه پایه‌ای کلیسای خود را بنا کرد، هر کلمه موافق جنس خود ثمر می‌دهد! «انسان نه محض نان زیست می‌کند بلکه به هر کلامی که از دهان خداوند صادر می‌شود.»

توجه می‌کنید؟ شیطان چیزی دیگر برگرفت اما خدا فرمود: «هر بذری موافق جنس خود بیاورد.»

۸۷ بر طبق وعده، «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود»، حال کلیسا می‌گوید: «به کلیسا ملحق شوید، اعتقادنامه را بخوانید. آموزه‌نامه را بیاموزید.»

مواردی از این دست در سراسر کتاب مقدس وجود ندارد.

۸۸ اما عیسی گفت: «و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند، به زبان‌های تازه حرف زنند و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرسانند، هرگاه دست‌ها بر مریضان گذارند، شفا خواهند یافت.» کدام انسانی می‌تواند آن را انکار کند؟ توجه دارید؟

۸۹ «هر بذری موافق جنس خود می آورد.» اگر بذری یا صفتی از خدا هستید، اگر فرزند خدا می باشید پس کلام او در درون شما کاشته شده است. توجه می کنید؟ در چنین شرایطی کلام خدا را می شنوید و به آن گوش جان می سپارید، «گوسفندان من آواز مرا می شنوند، آنها از صدای بیگانگان متابعت نمی کنند.» متوجه منظور می شوید؟ «هر بذری موافق جنس خود می آورد.»

۹۰ اکنون دریافتیم که هر بذری از نوع خود به بار می آورد. در آن عدن...هیچ مرگی وجود نداشت. به همین ترتیب در عدن تازه نیز از مرگ اثری نخواهد بود. به یاد داشته باشید که در آن چیزی جز تقدس، پاکی و زندگی جاودان نبود.

۹۱ اینک ایمان نداشتن به تمام کلام خدا، بذر ناپاکی را در عدن شیطان به بار آورده است. به جایی می رسیم که در عدن زمین شیطان به عنوان ضد مسیح بر تخت می نشیند، سخن از عدن گناه و مذهب منحرف شده است. شیطان در ابتدا او چنین نگفت که، «من شیطان هستم، من فرشته بزرگ هستم.» خیر، نه به این شکل بلکه به تحریف کلام خدا متوسل شد. او در هر عصری با چنین روشی ملکوت و نظام خود را بر قرار می کند. اکنون در این عصر فریب بزرگ، آماده است تا به یاری پیروانش بر تخت بنشیند! او با توسل به روشنفکری، علم و فرهیختگی، عدنی برای خود پدید آورد، سخن از واعظان عارف دانشمند است، کلیسای علمی یا عرفانی پدید آمده است، الهیاتی بر همین پایه بنا کردند. دانش را پایه همه چیز قرار دادند. علم جایگاه محوری پیدا کرده است. تمام کلیساها بر پایه شناخت ساخته شده اند نه بر اساس ایمان.

۹۲ روزی برای برگزاری جلسه به کلیسای شخصی رفتم. تالار کنفرانس بزرگی در غرب کشور داشت. مرد خوبی بود ولی اموری که از آن سخن می گوئیم را رد کرد. اما همچنان...او را دوست داشتم، مردی سالخورده و شریف بود. سالن ظرفیت پذیرش... حدود شش هزار نفر را داشت. روزی پس از جلسه عصرگاهی، هنگامی که جماعت سالن را ترک می کردند و تقریباً حدود هزار و پانصد نفر بیرون رفتند، آنجا نشستم و آنها را نگاه می کردم. شیک پوش و روشنفکر بودند.

۹۳ آن مرد موعظه بسیار خوبی ایراد کرد. و پس از اتمام موعظه از جماعت خواست چنانچه کسی می خواهد عیسی را بپذیرد، دستان خود را بالا برد. هیچ کس دستانش را بلند نکرد. سرانجام یک خانم دست خود را بلند کرد. آن مرد گفت: «بسیار خوب، حال شما مسیحی هستید،» و او را برای تعمید آماده ساخت. پس هنگامی که آن مرد بیرون رفت...او کودکی را تقدیم کرد و او را بوسید و برایش دعا کرد و حضار را مرخص کرد.

۹۴ آنگاه جماعتش یعنی تمام آن مردم فاخر، فاضل و تحصیل کرده بیرون رفتند. من کناری ایستاده بودم تا هنگام خارج شدنش با او دست دهم و برایش طلب برکت الهی کنم.

۹۵ سپس آن دسته از مردمی که باید در جلسه شرکت می کردند، وارد سالن شدند زیرا تا زمانی که آن جماعت در سالن بودند آنها اجازه ورود نداشتند. در جلسه

من افراد با ویلچر یا بر روی برانکار یا با پوشش‌های ویژه تیمارستان و معلولان ذهنی وارد شدند. پیداست که جو متفاوتی برقرار شد، درست است؟ این همان چیزی است که درباره آن صحبت می‌کنم، بله. دقت می‌کنید، اینجاست که تفاوت به چشم می‌خورد.

۹۶ زمانی که به آموخته‌های علمی متوسل می‌شوید، بی‌گمان انجیلی ارائه خواهد شد که پایه آن تلقی ذهنی شماسست. با همین آموخته‌های علمی می‌شود گفت: «هر که به مسیح ایمان بیاورد، محکوم نخواهد بود»، بله.

۹۷ لیکن بخش مکمل وعده نجات، از چنین پیغامی محو خواهد شد، جایی که کلام می‌گوید: «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.» ولی زمانی می‌توان از نجات در زندگی چنین خواهری صحبت کرد که آیاتی که باید همراه ایمانداران باشد، در زندگی او پدیدار شود.

۹۸ «و هرآنکه کلام مرا بشنود،» نه کسی که فقط در پی یافتن معنی آن باشد، نه کسی که فقط با گوش‌هایش بشنود بلکه کسی که «آن را درک کند.» هر کسی می‌تواند کلام را بشنود، یک فاحشه می‌تواند آن را بشنود و باز هم فاحشه باقی بماند، بله، یک شخص الکلی می‌تواند کلام را بشنود و باز هم الکلی باقی بماند، یک دروغگو نیز می‌تواند ظاهراً کلام را بشنود ولی باز به دروغ گفتن ادامه دهد. اما «آنکه کلام مرا درک می‌کند و به آنکه مرا فرستاد ایمان می‌آورد، حیات جاودان دارد.» بله، موضوع از این قرار است.

۹۹ هیچ انسانی قادر نیست چنین کند جز اینکه خدا او را از پیش مقرر کرده باشد. عیسی فرمود: «کسی نمی‌تواند نزد من آید مگر آنکه پدر من آن را بدو عطا کند و تمام کسانی که پدر به من بخشیده، نزد من خواهند آمد.» آمین. آری، اینجاست که قدرت و علم پیشدانی خدا مطرح می‌شود. او منشا هستی خود است و هیچ کس یارای این را ندارد که به او بگوید چه کاری انجام دهد.

۱۰۰ حال بی‌ایمانی همان عدم پذیرش کل کلام خداست و بذریه ایمانی، ناپاکی، گناهکاری، کینه‌ورزی و مرگ ابدی را به بار آورده است، وضعیت این عصر کلیسای گناهکار و روشنفکر چنین است. آیا آن را درمی‌یابید؟ در این ایام که کل دنیا مذهبی است! آیا از آن آگاه بودید؟ همه دنیا مذهبی است. در این عصر مذهبی، کلیساهای بزرگ در هر گوشه‌ای از شهر پیدا می‌شوند ولی حاصل همه این روند پرستش شیطان است. همه این مسائل در کتاب مقدس آمده است. این عین حقیقت است. دستاورد سمینارهای روشنفکرگرایانه و الهیاتی، اشخاص خوش‌بین است که راهکارهای خاصی می‌آموزند تا هیجانات را شکل دهند، آنها در این راستا دروسی چون روانشناسی می‌آموزند، در این سه یا چهار سال روش تبلیغ را یاد می‌گیرند. بله، این...

۱۰۱ روح خدا چیزی نیست که به شما آموزش داده شود یا در شما پرورش یابد. بلکه چیزی است که به دست خدای قادر مطلق، از پیش در وجود شما مقدر شده است. تجربه‌های شما چیزی نیستند که بتوان آنها را به شما آموزش داد یا در شما ایجاد کرد. این امر، به واسطه دست خدا و علم پیشدانی او از پیش در وجود شما مقدر شده است. درست است.

۱۰۲ چرایی شکل‌گیری عدن فعلی را باید در چنین عواملی جستجو کرد، منظور عدنی است که کلیسای دنیوی به وجود آورده است. آنها در یک شورای جهانی بزرگ با یکدیگر متحد شده‌اند و به سمتی پیش می‌روند که کلیسای دنیوی تحت ریاست واحدی قرار گیرد، و در چارچوب این روند شیطان به تخت خواهد نشست. دقیقاً چنین است.

۱۰۳ اینک واپسین فراخوانی به گوش می‌رسد. این فراخوانی مانع می‌شود که عروس وارد چنین جریانی شود. اگر عروس وارد چنین جریانی شود، علامت وحش را دریافت کرده و بی‌آنکه راه برگشتی باقی باشد محکوم خواهد شد. به همین خاطر این ندا می‌گوید: «ای قوم من از میان آنها خارج شوید»، بله، این هشدار پیش از پیوستن به او شنیده می‌شود. «از میان آنها خارج شوید، از آنها جدا شوید».

۱۰۴ اکنون در این عدن، کینه و مرگ و جدایی ابدی از خدا حاکم است، شهوت، آلودگی و انحرافات اخلاقی موج می‌زند، (اما چگونه؟) با کاشتن بذر نادرست.

۱۰۵ هم اینک به یاد رؤیایی افتادم که در گذشته یعنی پیش از آشنایی‌ام با پنطیکاستی‌ها دیده بودم، مردی سفیدپوش دنیا را می‌پیمود. بارها این رؤیا را از من شنیده‌اید. و یک نفر دیگر پشت سر او بذر نفاق و اختلاف می‌کاشت.

۱۰۶ پیداست که او با پرورش میل به گناه و شهوت در حوّا بازی را برد، شهوت بر حوّا غالب شد. حوّا به شناخت و عرفان میل داشت و این گناه محسوب می‌شد.

۱۰۷ پس زمانی که ما نیز برای کسب شناخت شهوت داریم یعنی در پی دکترای فلسفه یا حقوق هستیم، این شهوت ما را در روند گناه قرار می‌دهد. شاید این سخن بسیار تند باشد ولی حقیقت است. هرچند این گفتار تند است ولی در حقانیت آن شک روا نیست، بله، سخن از شهوت برای کسب شناخت و درک مسائل است!

۱۰۸ ما امروزه در پی آن نیستیم که کلام خدا را در قلب‌های مردم جا دهیم. بلکه در پی جایگاه هستیم و مشکل در اینجا است. کلیساهای تنها در فکر آن هستند که آموزه‌های خود را در قلب مردم جای دهند.

۱۰۹ به ما فرمان داده شده تا کلام خدا را برپا داریم. پولس گفت: «من با سخنان فریبنده و دلربای انسانی نزد شما حاضر نشدم تا ایمان شما بر دانش و معرفت انسان استوار شود بلکه با قدرت و با تجلیات روح‌القدس نزد شما آمدم تا ایمان شما بر خدا استوار باشد.» موضوع از این قرار است.

۱۱۰ درست نیست مردم تنها به جایگاه خود بیندیشند. درمی‌یابیم که در میان... کافی است ببینند خدا شخصی را برای کاری بلند کرد، به زودی همه تقلید می‌کنند. بله، در پی تحکیم جایگاه خود هستند. «من چنین کردم، خودم، فرقه من، خودم، من، این،» با گفتن چنین سخنانی در پی جایگاه خود هستند. از چه موعظه می‌کنیم، خودمان یا ملکوت خدا؟

۱۱۱ کلام خدا را برپا دارید. بی‌ایمانی را از ریشه برکنید. ملکوت خدا را در قلب انسان‌ها برقرار سازید. ملکوت خدا در قلب آدمی برقرار نمی‌شود مگر اینکه او در آفرینش خدا برای چنین فیضی مقدر شده باشد. نمی‌تواند برقرار شده باشد در...

۱۱۲ مردم به گمان خود در راستی هستند ولی به یاد داشته باشید که این هم فریبی بیش نیست. بله. «راهی هست که به نظر آدمی مستقیم می‌نماید.» روشنفکران به نظر خود در راستی هستند.

۱۱۳ در یکی از جلسات یک‌شنبه این مسئله را برای شما بازگو کردم، زمانی که کنار فرزندم که در حال مرگ بود، ایستاده بودم، شیطان نیز آنجا بود و رو به من گفت: «آن شب پدرت در دستان جان داد. همسرت در سردخانه است و اینجا فرزندت در حال رفتن از دنیاست. و تو از خدا خواستی که به تو پاسخ دهد و او کشید... تو را وارد تاریکی کرد. حال آیا هنوز هم او خدای خوبی است، تو از او به عنوان شفادهنده یاد کردی. تو همچنان به آنچه به گمان خودت درست است، پابندی، در اشتباه به سر می‌بری.» آری، منطق و عقلم حکم می‌کرد که حق با او باشد، بر پایه چنین منطقی تا جایی حق با او بود.

۱۱۴ هنگامی که شریر به حوّا گفت: «چشمان شما باز خواهد شد و نیک و بد را تشخیص خواهید داد. مانند خدایان عارف نیک و بد خواهید بود.» خدا به آنها اجازه نداده بود که خود را عریان ببینند، در حالی که عریان بودند. آنها قادر می‌شدند خوب را از بد تشخیص دهند، پس شیطان درست گفته بود. اما پیداست که این سخن با کلام خدا سازگار نبود.

۱۱۵ به همین ترتیب شاید کارهایی که خادمین در مدارس الهیاتی انجام می‌دهند، درست بنماید، شاید آموزش الهیات ساخته پرداخته بشر درست بنماید، شاید هم برداشت معقولی از امر به دست دهد اما باطل و اشتباه است.

۱۱۶ قرار نیست آن را بفهمیم. ما به کلام ایمان داریم زیرا خدا آن را فرموده و تا ابد باقی است. باید به کل کلام ایمان داشته باشیم، راهی جز این نیست.

۱۱۷ دیدید حوّا چه میلی برای داشتن دکترای فلسفه داشت، بله، چطور در آرزوی کسب معرفتی بالاتر سوخت!

۱۱۸ دقت داشته باشید که مرد و همسرش یکسان بودند...مرد و همسرش هر دو در باغ عدن عریان بودند. این کیفیت باغ عدن خدا بود.

۱۱۹ می‌خواهم بحث را به پایان برسانم. تنها چند دقیقه وقت شما را می‌گیرم. پس در این دقائق پایانی با دقت گوش کنید.

۱۲۰ حال این را مقایسه کنید، آن مرد و همسرش یکسان بودند، هر دو بدون اینکه حتی کمترین لباسی بر بدن خود داشته باشند، در باغ عدن بودند و از این مسئله ناآگاه بودند. به راستی چرا مرد و زن از عریانی خود آگاه نبودند؟ زیرا حس برهنگی آنها با حجاب مقدسی از روح‌القدس پوشانیده شده بود. آنها به یکدیگر نگاه می‌کردند، بی‌آنکه از عریانی خود آگاه شوند. آنها با روح‌القدس به پاکی و تقدس مستور شده بودند. آنها به نوعی ملبس بودند.

۱۲۱ امروزه نیز حضور حجاب خدا به معنی نگاهی عاری از شهوت است. هرکس حجاب خدا را دارد، نگاه خود را از سوی برهنگی‌ها برمی‌گرداند. این یک پوشش مقدس است،

بله سخن از حجاب مقدس است. خدا چشمان آنها را در اختیار داشت... هر دو آنها یعنی هم مرد و هم زن نمی دانستند که عریان بودند زیرا تقدس خدا چشمان آنها را مستور نگاه داشته بود. شایان توجه است که خدا با آن پوشش مقدس ضمیر و باطن آنها را از گناه حفظ کره بود.

۱۲۲ ای کاش فرصت داشتیم تا برای چند دقیقه این موضوع را بررسی کنیم. ببینید، «عبادت کنندگان یک بار پاک شدند»، در عبرانیان داریم، «عبادت کنندگان، بعد از آنکه یک بار پاک شدند، دیگر حس گناه را در ضمیر نمی داشتند.» گناه از او دور شده است.

۱۲۳ امروز صبح به موعظه برادر نویل گوش می دادم، کسی از او پرسید که چرا من درباره روح القدس موعظه نکردم، چرا من چنین نکردم. موضوع از این قرار است. گفتنی است که روح القدس یک عمل در شماس است. روح القدس زندگی است نه یک هیجان، نه یک نشانه و گواه جسمانی. شخص عیسی مسیح است که کلام خدا را در قلب شما نهاد تا کلام مربوط به این عصر را زنده سازد. کاملاً درست است. به روح القدس در فعل بنگرید نه به نمایش های بسیار، روح القدس را در عمل ببینید، به هر آنچه او بر طبق کلام انجام می دهد.

۱۲۴ در خور توجه است که روح القدس کاری کرد که یک مرد و زن عریان از عریانی خود آگاه نباشند. به راستی که زندگی در کلام چه شیرین است، کلام همان بذر است!

۱۲۵ خدا فرمود: «درختی در وسط باغ است، زن. این درخت در میانه باغ است، آن را حتی لمس هم نکنید. هر آینه که از آن بخورید، خواهید مرد.» آنها با حجابی مقدس پوشانیده شده بودند و چیزی در مورد آن نمی دانستند، جرأت نداشتند آن را لمس کند.

۱۲۶ آنها پوشش مقدس بر تن داشتند و در عمارت خدا محفوظ بودند. آنها زنده بودند. در اطراف آنها اثری از مرگ نبود. هلولیاه! آنها نسبت به یکدیگر محبت کامل داشتند و از زندگی کامل پایدار بهره مند بودند. آنها محبت کامل داشتند، به عبارت دیگر درک کاملی از محبت خدا داشتند. از کلام خدا برخوردار شده و به آن پایبند بودند. و در عدن خدا از زندگی بهره مند بودند و امنیت داشتند، در گرداگردشان هیچ مرگی نبود.

۱۲۷ در آن هنگام شیطان حوّا را به شنیدن انجیل الهیاتی خود دعوت کرد، او را به گوش سپردن به انجیل معرفت، عرفان، کسب تحصیلات و مکاتب بالاتر، تمدن بیشتر، آموزش بالاتر و مواردی از این دست دعوت کرد، آنگاه کاری کرد که... حوّا یک لحظه به او و استدلال هایش گوش کند (از ما خواسته شده از آنها دوری کنیم)، او حوّا را متقاعد کرد که پای صحبتش بنشیند.

۱۲۸ «به این کلیسا نگاه کن، چنین و چنان دارد. این کلیسا برای خود سابقه ای دارد. ما یکی از قدیمی ترین جماعت ها در کشور هستیم. شهردار در جلسات کلیسایی ما شرکت می کند.» واقعیت این است که چنین ادعاهایی بی ارزش است. اگر کلامی برخلاف کلام

خداست، بر شماست که با آن مخالفت کنید. آن دشمن شماست. هر چه مخالف کلام است، دشمن و بدخواه شماست.

۱۲۹ هر که با کلام خدا همسو می‌شود، برادر شماست. بخشی از شماست.

۱۳۰ توجه کنید که حوّا پوشش مقدس را کند تا آمیزش را تجربه کند، او می‌خواست کامیابی شهوانی را بچشد. و چنین پوشش را از چشمان خود کنار زد، حجاب مقدسی که خدا در مقابل چشمان او گذاشته بود. او خواهان شناخت بود، آرزوی عارف شدن در سر داشت، پس برای نیل به این هدف پوشش را کنار زد تا هر چه بود را ببیند. او به شریر گوش کرد. به عاقبت این کار برای حوّا توجه کنید.

۱۳۱ پس از آن در هر عصری همیشه مردم به عقل خود متوسل شدند و چنین بود که ملکوت شیطان برقرار شد. بذری که او کاشت، شناخت یا همان معرفت است که دنیا را فراگرفته و عدن مرگ را پدید آورده است.

۱۳۲ حال دقت کنید. اینک به مکاشفه باب ۳ نگاه کنید، عصر کلیسای لائودکیه. به آن فکر کنید.

۱۳۳ شایان توجه است که حوّا بانوی شیطان شد. بله، شیطان یا همان ابلیس حوّا را شناخت، پیش از اینکه آدم او را بشناسد. توجه می‌کنید؟ این حقیقت است. شیطان حوّا را اغفال کرد، بله، پیش از اینکه آدم در جایگاه شوهر وارد شود، شیطان یعنی همان مار در جایگاه شوهر حوّا وارد شد. ملاحظه کنید، او حوّا را از راه بدر کرد. این گفته کتاب مقدس است، سپس حوّا دریافت که عریان است. دقت می‌کنید؟

۱۳۴ حال به وضعیت عصر کلیسای لائودکیه دقیق شوید. او، حوّا، در جایگاه بانوی شیطان نشست است. «بی‌نیاز از همه چیز، کور، دوباره عریان است و آن را نمی‌داند»، درست به همان شکل که در عدن خدا بود. اما اکنون به گونه‌ای دیگر، زیرا پوشش مقدس بر روی صورت وی نیست بلکه پوشش شهوت. او حجاب مقدس خدا را کنار زد و به جهت شهوت، پوششی از معرفت و شناخت را بر روی نهاد. حال او پوششی از شهوت دارد و از همین رو «کور» است تا در گناه بماند. او در خیابان «عریان» است و «آن را نمی‌داند.» او در کسوت فاحشه‌ای در انتظار عمومی ظاهر می‌شود. آن دسته از زنانی که با سلوارک نمایان می‌شوند، از دید خدا مانند فاحشه‌ها هستند و «آن را نمی‌دانند.»

۱۳۵ خانم‌ها را در نظر بگیرید. حال، اگر می‌خواهید بدانید کلیسا در چه شرایطی است، به رفتار خانم‌های آن بنگرید. آنها نمایانگر وضعیت کلیسا هستند. در عدن گناه و بی‌ایمانی شیطان، در انحراف مذهبی، شاهد ملکوت منحرف شده هستیم. آنها به جای ستادن کلام خدا تعالیم عقلانی انسانی را برگرفته‌اند. به جای برگرفتن کلیسا شکل‌ها را برگرفته‌اند و در حال گرد آوردن آن تحت یک رأس می‌باشند.

۱۳۶ حال دقت کنید که از معصومیت منحرف شده است. این مطلب را فراموش نکنید. کلیسا با این شهوت پوشانیده شده است. به آنچه برایش پیش آمد، توجه کنید. از بی‌گناهی به سمت شناخت و معرفت منحرف شد. می‌بینید؟ او با پوشش مقدس

بی گناه بود، و با پوشش شهوت، شناخت دارد. می داند که آن دلپذیر است. می داند که آن چیست، بله. یک میوه است، درختی که شخص را خردمند می سازد. توجه دارید؟ او از بی گناهی به سمت شناخت، از تقدس و پاکی به سمت آلودگی و شهوت و از زندگی به مرگ منحرف شد.

۱۳۷ این ملکوت باید از بین رود. این ملکوت خواهد مرد! خدا از آسمان آن را از روی زمین نابود خواهد کرد.

۱۳۸ در این گمراهی شاهد این هستیم که یک مرد، زن می شود و یک زن، مرد، در حالی که «آن را نمی داند.» اگر امروز به خیابان ها نگاه کنید، می توانید در میان مردم متمدن ما دستاوردهای بسیار عالی عدن شیطان را ببینید.

۱۳۹ شیطان از حوا استفاده کرد تا با قدرت شهوت او، آدم را وارد گناه سازد. اکنون نیز به همان شکل است، امروز همان کارها انجام می شود. به مدل عجیب موها، صورت های رنگ شده، لباس های سکسی و بدن نما نگاه کنید، او چنین کارهایی می کند غافل از اینکه مخالف کلام خداست. زن با بریدن موهای خود چون فاحشه ای خود را رسوا می سازد. پوشیدن شلوارک او را رسوا می سازد. بر تن کردن لباس های بدن نما او را مانند یک فاحشه می نمایند و «او آن را نمی داند،» و این ندانستن به دلیل تقدس خدا نیست بلکه به خاطر شهوت شیطان. او باعث شده... او موجب می شود تا آدمش به خاطر او شهوت داشته باشد.

۱۴۰ خدا در باغ عدن یعنی پیش از گذر از بیابان پوشش هایی بر تن او کرده بود. او پوشش ها را از تن خود برکنده است. خود را بی پوشش نمایان می سازد. خدا سراسر بدنش را در پوششی از جنس پوست پوشانیده بود، او هر بار اندکی از آن را می زدود، تا اینکه اکنون دوباره به همان حالتی بازگشته که در آغاز داشت.

۱۴۱ اکنون کاری کرده که آدمش لباس زیر زنانه را بر تن کند. مردان با این شلوارک های به سبک زنانه می گردند، اثر چندانی از مردانگی در آنها دید نمی شود. چنین مردانی صفات زنانه دارند. توجه می کنید؟ بله، او کاری کرده که آدمش به آن شکل عمل کند، لباس های زیر زنانه او را بر تن کند. او زمانی که در این حالت ظاهر شد، همه روند را پیش بینی کرده بود. منظور همان شلوارک است. البته، این لباس زیر زنانه است و حال آدم او آن را پوشیده است. طبق کلام اصیل خدا، «برای زن ناپسند و مکروه است که لباسی را بپوشد که مخصوص مرد است، و برای مرد هم ناپسند و مکروه است که لباسی را بپوشد که مخصوص زن است،» این از کلام ناب خداست. به این بیندیشید!

۱۴۲ اینک حتی مرد نیز با موهای چتری مدل زنانه ظاهر می شود. آنها را شانه می زند و به سمت پایین می آورد و بیگودی هم می پیچد. مناظر بسیار ناخوشایندی که تا به حال در زندگی خود مانند آن را ندیده ام، امروزه بیرون از اینجا برخی از بچه ها موهای چتری های خود را به این شکل شانه می زنند، رنگ می کنند یا با چیزی شبیه اکسیدان سفید می کنند یعنی با مواد شیمیایی بی رنگ می کنند و با انواع بیگودی آنها را فر

می‌کنند. مردهایی با صفت زنانه! مواردی که از پشت این منبر می‌گویم، ناگوار هستند، اما داوری از خانه خدا آغاز می‌شود. حتی نمی‌دانید که مرد هستید یا زن. گویی قرار است ارتش ایالات متحده ما شلوارک بپوشد. درست است. ببینید چه گمراهی‌هایی وجود دارد؟ لباس زنانه بر تن کرده، حتی موهایش را هم مانند او چتری کوتاه می‌کند.

۱۴۳ روزی در یکی از مراکز هووارد جانسون بودم، نه آن یکی که اینجاست بلکه دیگری که در جاده بیرونی است. و من فقط مات و مبهوت به تماشا نشستم. از روبروی من پسری می‌آمد که دهانش باز بود. موهایی مشکی تا اینجا داشت و آنها را به این شکل شانه کرده بود، و بیگودی پیچیده و موها را فر کرده بود، طوری که موها بالای چشم‌هایش قرار گرفته بود و از بالای چشم‌هایش به هر سمت می‌رفت. تا کنون چنین انحرافی ندیده بودم! خوب، او خود متوجه وضعیتش نیست. شاید بتواند ثابت کند که مرد است ولی در درون خود دختر است. تکلیفش مشخص نیست که پسر است یا دختر. درست است. چه فساد!

۱۴۴ این همان چیزی است که شیطان انجام می‌دهد. او ملت‌های جهان را به انحراف می‌کشانند. کلیسا را به بیراهه می‌کشانند. مردم را فاسد می‌کند. او فریب‌کار است و حقیقت را تحریف می‌کند.

۱۴۵ در آفرینش خدا مرد، مرد است و زن، زن. و او آنها را به شکلی متفاوت لباس پوشاند، در نقشه الهی آنها باید چنین بمانند، او می‌خواهد تا آنها رفتاری درخور جنسیت خویش از خود نشان دهند، یکی زن است و دیگری مرد. او آدم را در باغ عدن از حوا جدا کرد، چنین کرد، حوا را از او جدا کرد.

۱۴۶ اینک زن موهایش را مانند مرد کوتاه می‌کند و مرد می‌کوشد خود را مانند زن درست کند. توجه می‌کنید؟ زن با لباس مردانه ظاهر می‌شود و مرد با لباس زیر زنانه. شاید سختم اهانت‌آمیز به نظر برسد، ولی قصد توهین ندارم. این حقیقت مطلق انجیل است. اگر از این امر آگاه نیستید، جایی مشکل دارید، یا کور هستید یا هرگز وارد خیابان‌ها نشده‌اید. خانم فکر می‌کند این وضعیت درست است و آقا هم چنین فکر می‌کند، پس همه با هم سازش دارند.

خانم‌ها می‌گویند: «خوب، هوا خیلی گرم است!»

۱۴۷ باید از آپاچی‌های پیر که در آنجا هستند، خجالت بکشید. هرچه هوا گرم‌تر می‌شود، بیشتر لباس می‌پوشند تا از گزند آفتاب در امان باشند، این کار باعث می‌شود که عرق کنند تا وقتی راه می‌روند، گویی سیستم خنک‌کننده همراه خود دارند. دقت می‌کنید؟ با این روش زیر آفتاب تاب می‌آورند.

۱۴۸ شما نمی‌توانید چنین چیزی را تحمل کنید، تاول می‌زنید و می‌سوزید. خوب، این همان است که آن را سواد بالاتر می‌نامید. این فرآیند دانش مدرن است. خدا مدد کند! در لائودکیه او «عریان» است و «آن را نمی‌داند.»

۱۴۹ زن در باغ عدن عریان بود. ببینید مگر این دو ملکوت در جایی شبیه هم نیستند؟ یکی از آنها گناه و مرگ است و دیگری حیات و عدالت. آنجا به پوشش مقدس پوشیده

شده بود. هر دو آنها برهنه بودند و آن را نمی دانستند. چیزی در مورد آن نمی دانستند زیرا با روح خدا پوشیده شده بودند.

۱۵۰ و اینجا آنها با شهوت پوشیده شده اند و به یکدیگر نگاه می کنند...بله، زمانی که آدم به حوّا نگاه می کرد او را عریان نمی دید. حال با این حجاب شهوت، زن تشخیص نمی دهد که عریان است بلکه این پوشش شهوت موجب می شود تا مرد به او نگاه کند. هدف از چنین پوششی تنها جلب توجه جنس مخالف است. شاید خودتان از این مسئله آگاه نباشید ولی کاری می کنید که نگاه ناسالم مردان متوجه شما شود. مردان چنان شیفته ظاهر شما شدند که لباس های شما را بر تن کرده اند.

۱۵۱ چه گمراهی و انحرافی! چه عصری! در چه زمانه ای به سر می بریم...چقدر فریب کارانه است! با وجود چنین مسائلی «آن را نمی دانند»، روح گمراهی و فساد در انسان رسوخ کرده است. مرد از شهوت شیطان پوشیده شده، این مطلب درباره زن نیز صادق است. این روحی شیطانی است که در صدر جامعه حکمفرماست. بله، آنها عضو یک تشکل هستند ولی نمی دانند. زنانی که شلوارک برتن دارند عضو یک تشکل هستند. مردی که چنان لباس بر تن می کند نیز عضو یک تشکل است. نام اختصاری آن را به شما می گویم، ب.اس.اس، آنها عضو انجمن بزرگ خواهران هستند. از انجمن بزرگ خواهران بیرون آید، آنها از آن شلوارهای قدیمی، موهای به هم ریخته و ظاهری آشفته دارند. من-من...

۱۵۲ آقایان، شاید با سخن من در این باره موافق نباشید ولی این حقیقت است. شما گمراه و فاسد شده اید هرچند خود نمی دانید. دیگر مرد نیستید، در رفتارتان مردانگی دیده نمی شود. بله، چنان بی غیرت شده اید که هیچ احساسی نسبت به پسران خود ندارید، هم مردها و هم زن ها به این درد دچار شده اند. آنها برای خود جامعه ای تشکیل داده اند. تشکلی برقرار است. چرا چنین می شود؟ «خوب، همسایه ما جان شلوارک می پوشد، چرا من نتوانم؟ لولا از من خواسته که مثل جان که همسایه ماست، شلوارک بپوشم. و اگر سوزی جان اینها را می پوشد، پس ما را جان یا سوزی لو هم می تواند آن را بپوشد.» یا هر اسم دیگری که دارند، بله، ببینید، آنها برای خود جامعه ای تشکیل می دهند. این در حکم یک تشکل است. از نظر روحانی به چنین چیزی تعلق دارید و آن را نمی دانید.

۱۵۳ با چنین اوصافی پیداست که کور شده اید. فرقه ها شما را کور کرده اند، شیطان با چنین ترفندی شما را گرفتار کرده است. این تحریف کلام اصلی خدا، ملکوتش و نقشه او برای فرزندانش می باشد. شیطان با این ترفندها مردان و زنان را از راه درست منحرف کرده است، و آنها این را نمی دانند. سخن از گمراهی و انحراف است!

۱۵۴ شخصی که با چنین فساد سازش کرده، دیگر فرزند خدا نیست! چگونه می شود در حالی که چتری موها بر روی صورت آویزان است و شورت بر تن در خیابان پرسه می زند، فرزند خدا، شماس کلیسا یا کشیش پای منبر هم باشد؟ نه چنین کسی پسر خدا نیست. چنین کسی از فیلتر فکری الهی بی بهره است. پسر واقعی لباس های زنانه بر تن ندارد، مطمئناً ندارد همچنین دختر واقعی لباس های مردانه بر تن نمی کند. بله

این در شأن فرزند خدا نیست. پسر شیطان و دختر شیطان چنین هستند. بیان چنین مطالبی دردناک است!

۱۵۵ شیطان در گمراه کردن و برگرفتن این دنیا موفق شده و آن را پادشاهی خود ساخته است، آدمی حق گزینش دارد، می‌تواند سبک زندگی دلخواه خود را برگزیند. گزینش یک راه نمایانگر خواسته قلبی شماست. دقت دارید؟ صدای شما... می‌دانید چه؟ صدای اعمال شما رساتر از صدای سخن شماست. بله-بله!

۱۵۶ بگذارید نزد شخصی بروم. و بگویم: «من... ما همگی مسیحی هستیم. عضو کلیسا هستیم.» نوارهای تزئینی در دفتر کارش آویزان می‌کنید؟ بله! فرقی نمی‌کند او چه چیزی به من گفته، خود بهتر می‌دانم شما هم همین‌طور.

۱۵۷ چگونه ممکن است خانمی با موهای کوتاه‌شده خود را پیرو مسیح بدانند؟ بله-بله! نیازی نیست درباره چنین ادعایی بحث شود، بله، بله، آقا. با وجود ادعای پیروی از مسیح، با آرایش غلیظ و شلوارک ظاهر می‌شود و می‌گوید که مسیحی است؟ می‌دانید که چنین ادعایی بی‌اساس است. کلام خدا راه و روش بهتری به شما می‌آموزد. کلام می‌گوید که زن نمی‌تواند آن کارها را انجام دهد و در عین حال مسیحی هم باشد. حتی ناشایست و بی‌آبرو نیز هست. آیا می‌شود خدا چیزهای ناشایست را به ملکوت خود راه دهد؟ خیر، آقا، ابتداً، خیر، آقا. با انجام چنین کارهایی خواسته قلبی خود را نشان می‌دهند.

۱۵۸ هرکاری کنید، کبوتر با لاشخور هم غذا نمی‌شود. کبوتر صفر ندارد. نمی‌تواند لاشه مانده را بخورد. اگر اندکی از آن را بخورد باعث مرگش می‌شود و کبوتر این را می‌داند. اما لاشخور می‌تواند هر آنچه بخواد را بخورد. می‌بینید؟ به مقدار فراوان صفر دارد.

۱۵۹ پس می‌بینید که امروز هم در دنیا اوضاع همین‌طور است، همان چیز برقرار است، «عربان و کور هستند و آن را نمی‌دانند.»

۱۶۰ شیطان از طریق میل یک زن به شناخت و تجربه آمیزش جنسی، برنامه خود را پیاده کرد، زن حق گزینش خود را در این راستا به کار برد. به یاد داشته باشید که این حوا بود که آدم را به گمراهی کشاند و این زن بود که پیش از آدم جامه برکند. می‌بینید؟ همواره شروع روند از زن است. همیشه چنین بوده است. هنوز نیز همین روش به کار می‌رود.

۱۶۱ این کلیسا بود که مردم را به بیراهه کشاند. بله، کلیسا مردمی که در جایگاه فرزند خدا بودند را به بیراهه کشاند. زن همان کلیساست. نه کتاب مقدس، نه خدا، زیرا کتاب مقدس جایگاه و حکم مرد را دارد. بله، «کلام تن گرفت، کلمه جسم شد»، او در قالب یک مرد آمد. توجه می‌کنید؟ کتاب مقدس حکم مرد و کلیسا حکم زن را دارد. دقت می‌کنید؟ این کلیسا نیست که... کتاب مقدس نیست که انسان را به بیراهه می‌کشاند. بلکه کلیساست که او را به بیراهه می‌کشاند. این کتاب مقدس نیست که پوشش مردم

را درآورد، بلکه کلیسا چنین کرد. ملاحظه می کنید؟ نه، به هیچ وجه. کتاب مقدس به انسان می گوید که عریان است. بله، آقا.

۱۶۲ حال دقت کنید که زن میل داشت آمیزش را تجربه کند، می خواست به شناخت و معرفت نائل شود، بداند که این چیست و چطور است، او اشتیاق تمام داشت نیکویی یا بدی آن میوه را دریابد.

۱۶۳ روزی به دست مردی برتر آن را برمی گرداند. آنچه که توسط یک زن واگذار شده بود. اما به واسطه آن مرد برتر بازخرید شد، آن مرد عیسی مسیح است که همان کلام خداست.

۱۶۴ منظور چیست؟ به پایان بحث توجه کنید. چندی پیش اینجا این مطالب را نوشتم. چهار یا پنج صفحه در باب این موضوع دارم اما من... از نگاهتهای مقدس و مواردی که می خواستم به آن ارجاع دهم. اما گوش کنید. اجازه دهید با گفتن این نکته سخن خود را به پایان برسانم.

۱۶۵ به یاد آورید، اینجا همین اواخر داشتم به شما در مورد هفت کرنا تعلیم می دادم، جشن کرناها و موارد دیگر. گفتم: «جشن روز هشتم وجود دارد». روز هفتم آخرین روز می باشد که همان هزاره است. اما جشن روز هشتم هم وجود دارد، با توجه به اینکه تنها هفت روز وجود دارد، روز هشتم بدان معنی است که دوباره روز اول برقرار می شود، درست به روز اول برمی گردد. پس هنگامی که هزاره به پایان برسد، دوباره یک عدن برقرار خواهد بود. ملکوت عظیم خدا دوباره برقرار می شود. چون عیسی در باغ جتسیمانی بر سر آن با شیطان پیکار کرد و پیروزمندانه عدن را اعاده کرد، اینکه او رفته تا در آسمان آن را آماده کند، او بازمی گردد، از آن بالا در آسمان. او فرمود: «دل شما مضطرب نشود».

۱۶۶ هنگامی که او در این کره خاکی بود، گفت: «شما یهودیان به خدا ایمان آوردید. حال، می دانم که درباره من نگرش منفی وجود دارد»، او چنین گفت. «درباره من چنین و چنان می گویند. شما به خدا ایمان آوردید و از آنجایی که به خدا ایمان دارید، به من نیز ایمان بیاورید.» او تجلی خدا بود. توجه می کنید؟ «همچنین ایمان داشته باشید...»

۱۶۷ در منزل پدر من جا بسیار است... یا «در برنامه ریزی پدر من، در نقشه های پدر من مکان های بسیاری وجود دارد. من می روم تا مکانی آماده کنم». ببینید که چه اندازه ای دارد، پانزده هزار تیر پرتاب! پرسیدنی است که روند کار تا چه اندازه پیش رفته است؟ او رفت تا آن را مهیا سازد. او خالق است. او پدیدآورنده همه آن طلاهاست. خیابان ها شفاف هستند. او آفریدگار و هستی بخش است. او هم اکنون آن مکان را آماده می سازد. در مکاشفه باب ۲۱ گفت: «و من یوحنا شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می شود».

۱۶۸ «چونکه آسمان اول و زمین اول در گذشت و دریا دیگر نمی باشد.» آسمان اول ما چه بود؟ هزاره بود. زمین اول ما چه بود؟ همین بود. بازسازی خواهد شد. درست چنانکه

با موعظه‌های نوح تعمید یافت و به واسطهٔ مسیح تقدیس شد، هنگامی که خوش بر روی آن پاشیده شد و در بازسازی نهایی به وسیلهٔ تعمید آتش تمامی میکروب‌های مضر از آن زدوده خواهد شد، تمام میکروب‌ها، بیماری‌ها و امراض و هر نوع آلودگی که تا آن زمان بر روی زمین بود، نابود خواهد شد.

۱۶۹ اینک زمان شکوفایی فرامی‌رسد و زمینی نو پدیدار خواهد شد. «و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول در گذشت و دریا دیگر نمی‌باشد. و من یوحنا شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود.» آنجا خدا با صفات راستین خود خواهد بود یعنی با پسران و دخترانش، جایی که خدا می‌تواند در تقدس با آنها مشارکت داشته باشد چون چشمان آنها بر روی هر گناهی بسته شده است. از آن پس دیگر گناه در کار نخواهد بود.

۱۷۰ بیایید به جد و جهد تلاش کنیم، مبدا در چنین روزگاری فریب خورده و گمراه شویم «بکوشید تا از در وارد شوید، به آن دروازه وارد شوید.»

۱۷۱ «فاحشه‌ها و شهوتران‌ها به آنجا راه نخواهند یافت.» «هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است.» تمام... زنان و مردان بدکردار و بدنام و غیره به چنین مکانی راه نخواهند یافت.

۱۷۲ تنها کسانی که باز خرید شده‌اند و نامشان در دفتر حیات برّه مکتوب است، به آن دروازه وارد خواهند شد، از در وارد می‌شوند. ای دوستان جد و جهد نمایید و در این روز آخر فریب مخورید.

۱۷۳ زمان مهمی است. هر کسی پول دارد. می‌تواند این را انجام دهد، آن کار را انجام دهد، پول می‌تواند هر چیزی را به سرانجام برساند، ماشین‌های شیک و چیزهای دیگر. در آن شهر آسمانی چنین چیزهایی در کار نخواهد بود. آنجا هیچ ماشین و هواپیمایی نخواهد بود، نه. تمدنی بسیار متفاوت پدیدار می‌شود. پایهٔ آن تمدن عرفان و دانش نخواهد بود بلکه پاکی و ایمان به خدای زنده.

۱۷۴ بیایید جد و جهد کنیم تا وارد چنین مکانی شویم. تمام هدفم این است که روزی وارد آن شهر آسمانی شوم، و هنگامی که به اطراف بنگرم هریک از شما را بینم که همراهم هستید و در حالی که سرود می‌خوانیم همراه «مقدس‌ان قدم می‌زنیم.» می‌خواهم در شمار آنانی باشم که با مقدسین همگام می‌شوند.

دعا کنیم.

۱۷۵ ای پدر آسمانی عزیز، این عصر به پایان خود می‌رسد و زمان تحقق وعده نزدیک شده است. ای خدای عزیز، دعا می‌کنیم که تو در قلب‌های ما قرار دهی تا خطا نورزیم. خدای عزیز، ضمیر ما را پاک نگاه دار. خداوندا، قلب‌ها و چشمان ما را از امور دنیوی و چیزهای پوچ دنیا و جاه‌طلبی پوشیده بدار.

۱۷۶ مهم نیست که تمام پادشاهان، فرمانروایان مطلق و قدرتمندان دنیا در چه جایگاهی باشند، همهٔ آنها از بین خواهند رفت و در دوم... در رستاخیز نخست برخواهند خاست. زیرا مکتوب است، «خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت اول قسمتی

دارد، بر اینها موت ثانی تسلط ندارد.» خدایا! «موت ثانی،» مرگ روحانی، «تسلطی ندارد،» آنها باز خرید شده‌اند!

۱۷۷ خدایا، تصورش را بکنید که در یکی از همین ساعت‌ها، یکی برای دیدار دیگری می‌رود که ناگاه ربوده می‌شود. «از دو نفر که بر یک تخت خوابیده‌اند، یکی برگرفته و دیگری واگذارده خواهد شد. از دو نفر که در یک مزرعه کار می‌کنند، یکی برگرفته و دیگری واگذارده خواهد شد.»

۱۷۸ خدایا، به ما کمک کن تا در-در نظر تو پاک باشیم، ای خداوند، مهم نیست که مردم درباره‌ی ما چه فکر می‌کنند و چه می‌گویند. خداوند! اجازه بده... سخنان ما مقدس باشد. و همواره اصلاح‌شده به نمک کلام باشد، خداوند، مبدا مکرری در ما یافت شود. باشد زمانی که برای خطاهایمان استدعا می‌کنیم خون عیسی مسیح میان ما و خدا قرار گیرد، باشد که او از ورای خون مبارک عیسی به ما بنگرد، نه به خاطر عدالت، جایگاه و یا اعمال ما بلکه به خاطر شایستگی او. خدایا، این را عطا کن!

۱۷۹ دعای ما این است که هیچ یک از عزیزانی که در این جلسه شامگاهی شرکت کرده و پیغام را شنیده‌اند، از دست نروند، از خردسالان گرفته تا سالخوردگان. باشد که دلشان تنها برای خدا و کلامش اشتیاق داشته باشد. ما نمی‌دانیم که او چه ساعتی ظاهر خواهد شد، نمی‌دانیم چه ساعتی ما را آنجا احضار می‌کند تا در داوری پاسخگو باشیم. نمی‌دانیم چه ساعتی به اصطلاح کارت ما را از روی قفسه برمی‌دارد و می‌گوید: «زمان ورود به خانه است. باید راهی شوید.» خدایا ما را امداد نما تا خود را پاک و خالص نگاه داریم. خداوند، این را عطا کن.

۱۸۰ باشد که اگر امکانش باشد تا بازگشت خداوند زنده بمانیم. باشد هرآنچه در توان داریم را با محبت و درک انجام دهیم، با دانستن اینکه امروز خدا در سراسر دنیا می‌گردد تا هر یک از گوسفندان گمشده خود را بیاید. باشد که با کلماتی اصلاح‌شده به دعا، با محبت و کلام خدا با آنها سخن بگوییم. ما می‌توانیم آخرین آنها را بیابیم آنگاه می‌توانیم به سرای آسمانی برویم و این عدن قدیمی را از دستان شیطان خارج کنیم، ای خداوند.

۱۸۱ این عدن بر پایه شهوت و به اصطلاح بر زنان جذاب بنا شده است، در زیبایی‌شناسی دنیوی چنین نامیده می‌شوند، از راه تبلیغاتی که دارند، «ما شرکت تبلیغاتی هستیم و به دنبال پسران آرایش کرده و دختران خوش‌اندامی که با شلوارک ظاهر می‌شوند، هستیم،» سخن از تبلیغات رادیو و تلویزیونی است و تمام پلیدی‌ها و آلودگی‌ها، هالیوود با تمام چیزهای شهوت‌برانگیز و کثیف و لباس‌های هرزه‌گونه زنان، تمام اینها بر پایه شهوت ساخته شده است. و-و مردان فاسد شده‌اند و متاع زنانه بر خود می‌نهند و موهایشان را مدل زنانه کوتاه می‌کنند، زنان نیز خود را به شباهت مردان درمی‌آورند.

۱۸۲ خداوند! در چه ساعت هولناکی زندگی می‌کنیم! بیا، ای خداوند عیسی، بیا! بیا، ای خداوند! ما را با خون خود پاک ساز. هر پلیدی و تزویر را از ما بزد. خداوند! روا دار

که در حضور تو و در پناه آن خون مبارک زندگی کنیم. این خواسته قلبی ما و خواست صادقانه ماست.

۱۸۳ ای خدای مهربان، امشب بر روی این...میز انجیل گذاشته شده است. خداوندا، اینجا دستمال‌ها و بسته‌هایی هست که نزد بیماران و مبتلایان برده می‌شود. خداوندا، بگذار تا اینک در حضور تو دعای ایمان از قلب ما جاری شود. پس ای خداوند، چنانچه چیز ناپاکی در وجود ماست، ای خداوند، بگیر...هم اینک ما را در داوری قرار بده، از تو استدعای رحمت داریم. آنچه به اشتباه انجام می‌دهیم را بر ما آشکار کن، ای خداوندا، پس ما می‌توانیم بطلبیم که آن خون مبارک را برگیری و ما را پاک سازی. ای پدر، بیماران را شفا ده، باشد هر جایی که این دستمال‌ها فرستاده می‌شوند، دردمندان تندرست گردند. پدر، بگذار چنین شود.

۱۸۴ به ما عزمی راسخ عطا کن تا تو و تنها تو را خدمت کنیم.

۱۸۵ از این جماعت عزیز در راه بازگشت به خانه محافظت کن.

۱۸۶ از تو به خاطر اینکه مردم را شفا داده‌ای سپاسگزاریم. برای پسر کوچک خواهر شفر و برادر شفر که با دوچرخه تصادف کرده، دعا می‌کنم تا مشکلی پیش نیاید، این دوچرخه‌سوار کوچک را به حضور بلند می‌کنم تا مشکلی برایش پیش نیاید. تو را سپاس می‌گوییم برای شفای عزیزانی که برایشان به حضور تو دعا کردیم. «می‌دانیم آنچه را که می‌خواهیم دریافت می‌کنیم، زیرا به وعده‌دهنده اعتماد داریم.»

۱۸۷ خداوندا، فیضت را بر ما عطا کن و گناهان ما را ببخش. در نام عیسی مسیح می‌طلبیم. آمین.

۱۸۸ آیا او را دوست دارید؟ آیا به او ایمان دارید؟ آیا ملکوت شیطان برای شما ناخوشایند است و از آن بیزارید؟ آیا ایمان دارید که هزاره برقرار می‌شود، هزاره الهی، عدن الهی؟ آیا باور دارید که امروزه اوضاع چنین شده است؟

۱۸۹ بنگرید، همه چیز بر پایه نظریات روشنفکران بنا شده است. همه چیز باید بر اساس علم ثابت شود تا آنها آن را باور کرده و بپذیرند.

۱۹۰ نمی‌توانید خدا را از راه علم اثبات کنید. باید او را از راه ایمان بپذیرید. «زیرا هر که تقرب به خدا جوید لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا می‌دهد.»

۱۹۱ خدایا، نمی‌خواهم چیزی دیگری بدانم جز اینکه خون عیسی مسیح مرا از گناهان پاک کرد. چیز دیگری نمی‌شناسم مگر عیسی مسیح. چنانکه پولس در گذشته گفت و من امشب بازگو کردم: «زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب.»

۱۹۲ هر آنچه می‌دانم را به شما می‌گویم. این کتاب مقدس که با تمام قلبم به آن ایمان دارم (از قلب خود آگاهم) کلام کامل ناب خداست. من به این کلام زندگی می‌کنم. بر همین پایدارم. اگر ده هزار بار امکان زندگی داشت، دوست داشتم هر ذره آن را برای این کلام بدهم، برای کلام عیسی مسیح. برایم مهم نیست دیگران چقدر می‌کوشند

آن را رد کنند یا اینکه علم تا چه اندازه می‌کوشد بگوید که این کلام قابل اطمینان نیست و چیزهای دیگر، تنها چیزی که در دنیا برای من قابل اعتماد است، همین کلام است. او از آن من است. او را دوست دارم. شما چگونه؟

۱۹۳ اگر گناهی بر قلبتان سنگینی می‌کند، چنانچه تقصیر و خطایی در قلب دارید و هر چیز دیگری که هست، اینک دعا کنید و از خدا بخواهید تا شما را ببخشد. برای من دعا کنید، من نیز برای شما دعا می‌کنم. دعای من این است که خدا به شما برکت دهد.

تا دیداری دوباره! تا دیداری دوباره!

تا دیداری دوباره خدا با شما باشد!

۱۹۴ آیا یکدیگر را دوست دارید و محبت می‌کنید؟ یوحنا گفت: «ای فرزندان، یکدیگر را محبت نمایید.» «یکدیگر را محبت نمایید زیرا محبت گناهان بسیار را می‌پوشاند.» اکنون به یکدیگر دست دهیم.

تا دیداری دوباره خدا با شما باشد!

تا دیداری دوباره! تا...

۱۹۵ با یکدیگر مهربان باشید. با همه مهربان باشید. با همسایگان خود به درستی رفتار کنید. تا هنگامی که عیسی بیاید خود را از هر لکه‌ای دور نگه دارید.

در حضور...

تا دیداری دوباره! تا دیداری دوباره!

تا دیداری دوباره خدا با شما باشد!

۱۹۶ آیا خدا را دوست دارید؟ دعای من این است. برای من دعا کنید، من نیز برای شما دعا خواهم کرد. اکنون می‌خواهم به توسان بازگردم. من -من دعا می‌کنم خدا به همه شما برکت دهد. می‌خواهم از آنجا به کانادا بروم و به کلرادو برگردم، به هر گوشه و کنار، بله. تا...

۱۹۷ برادر تونی آنجاست و اتفاق بزرگی رخ داده است. در قلمرو واتیکان، در شهر رم مردم خواهان بیداری و برگزاری یک جلسه هستند، از قرار معلوم باید بروم و برای بیداری در شهر رم زمینه‌سازی کنم، در رم. او به تازگی برگشته است. مردم آنجا جمع شدند. آنها به یک استاد یوم بزرگ گرفتند و از من دعوت کردند برای بیداری پیش آنها بروم. آنها می‌خواهند در این خدمت جلال خداوند را ببینند. قضیه هنوز برای من باز نیست. باید در این باره دعا کنم و از خداوند هدایت بگیرم. بله! این موضوع را به یاد داشته باشید و با هم دعا کنیم. چه هستیم؟

ظهور نشانه‌های بازگشت متبارکش را می‌بینیم،

بنگر که حال برگ‌های انجیر سبز می‌شوند؛

انجیل ملکوت به تمام امت‌ها اعلام شده است؛

در انتها به سر می‌بریم، زمان آخر قابل رؤیت است.

۱۹۸ درست است؟

آنگاه با خوشحالی پیغام ظهور مبارکش را اعلام خواهیم کرد،
به زودی او در جلال می آید، تا به تکاتک شما بگوید؛
بیدار باشید، ای مقدسان خداوند، چرا پینکی زده اید وقتی انتها
نزدیک است،
بیاپید برای فراخوانی نهایی آماده باشیم.

۱۹۹ به غرب می نگرد و یکی از همین روزها برمی گردد، این را به یاد داشته باشید. او
باز خواهد گشت. در این باره شکی روا نیست. و تا آن زمان:

نام عیسی را با خود بردار،
ای فرزند غم و اندوه،
به تو شادی خواهد بخشید،
هر جا که می روی آن را با خود بردار.
آن نام گران بها، (آن نام گران بها!) چه دلنشین است!
امید زمین و شادی آسمان ها؛
آن نام گران بها، چه دلنشین است! (چه دلنشین است!)
امید زمین و شادی آسمان ها.

خم شده در مقابل نام عیسی،
سر به خاک نهاده در مقابل پایش،
در آسمان بر سر شاه شاهان تاج خواهیم نهاد،
هنگام به انتها رسیدن سفرمان.

چه دلنشین است آن نام گران بها!
امید زمین و شادی آسمان ها؛
چه دلنشین است آن نام گران بها!
امید زمین و شادی آسمان ها.

۲۰۰ حال، بیاپید این سرود آخر را با قلبی فروتن بخوانیم.

نام عیسی را با خود بردار،
چون سپری از بهر هر دام؛
زمان هجوم وسوسه ها، (ابزار ملکوت شیطان، می بینید،
می بینید.)

در دعا تنها نام مقدس او را بر زبان جاری کن.

۲۰۱ همین کافی است، چنین ادامه دهید. این روش کارساز است. من آن را تجربه
کرده ام. تنها به آن ایمان داشته باش، از همین رو کارساز است. در دعا تنها نام مقدس
او را بر زبان جاری کن.

نام عیسی را با خود...
چون سپری از بهر هر دام؛

زمان هجوم وسوسه‌ها، (چه می‌کنی؟)
در دعا تنها نام مقدس او را بر زبان جاری کن. (دوباره پوشش
مقدس بر روی صورت تو خواهد آمد.)

آن نام گران‌بها، (آن نام گران‌بها!) چه دلنشین است!
امید زمین و شادی آسمان‌ها؛
چه دلنشین است آن نام گران‌بها!
امید زمین و شادی آسمان‌ها.

۲۰۲ اکنون بیایید سرهای خود را خم کنیم، حینی که از برادر بیلر درخواست کنم
تا اینجا بالای سکو بازگردند. [برادر برانهم سرود نام عیسی را با خود بردار را زمزمه
می‌کند-گروه تألیف.]

در دعا تنها نام مقدس او را بر زبان جاری کن.
۲۰۳ برادر بیلر ما را فراموش نکنید. ما را در دعا فراموش نکنید.

(آن نام گران‌بها!)
امید زمین و شادی آسمان‌ها؛
آن نام گران‌بها، (آن نام گران‌بها!) چه دلنشین است!
امید زمین و شادی آسمان‌ها.

۲۰۴ حال با سرهای خم شده و قلب‌های کرنش کرده خود. برادر بیلر، یکی از همکاران
ما در اینجا، برادر استل بیلر، برادر خوب مسیحی، مردی امین. از او می‌خواهم که
امشب در دعا شنوندگان را فراموش نکند. برادر بیلر، خدا به شما برکت دهد. 

65-0829 عدن شیطان

خیمه برانهام

جفرسونویل، ایندیانا آمریکا

FARSI

©2026 VGR, ALL RIGHTS RESERVED

VOICE OF GOD RECORDINGS

P.O. Box 950, JEFFERSONVILLE, INDIANA 47131 U.S.A.

www.branham.org